

# گزارشی پیرامون توطئه نفاق افکنانه

## کشتگر – هلیل رودی

(تاریخ انتشار: ۲۱ آذر ۱۳۶۰)

تکثیر از نهاد هواداری از: سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بریتانیا

### توضیح:

فایل اسکن شده‌ی این جزوه در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۹۸ از طریق آقای فرخ نگهدار به دستم رسید. از ایشان و از دوستی که زحمت اسکن جزوه را کشیده است بسیار ممنونم. متأسفانه این فایل با وجود حجم زیاد آن، به دلیل کیفیت بد نسخه چاپی، کیفیت مناسبی نداشت و خواندن آن با دشواری بسیار میسر بود.

تلاش کردم با کمک نرم‌افزارهایی که در اختیار داشتم، تا حد ممکن کیفیت فایل را بالا ببرم تا خواندن آن آسان‌تر شود. با تمام این تلاش‌ها، هنوز کیفیت آن در حد مطلوب نیست. به همین دلیل نسخه تایپی جزوه نیز، منتشر می‌شود. **نسخه چاپی را می‌توانید با کلید بر روی همین سطر مشاهده نمایید.** تایپ بخش اعظم نسخه تایپی جزوه را مدیون دوست گرامی خانم توران همتی هستم که این کار بسیار پرحمت را انجام دادند.

در نسخه تایپی، هر جا که متن ناخوانا بود، داخل پرانتز و با رنگ قرمز ذکر شده است.

برای راحتی مراجعه به فایل اصلی موارد زیر در نسخه تایپی رعایت شده است:

۱- شماره هر صفحه و محتوای آن و بنابراین پاراگراف‌های هر صفحه به همان ترتیب باقیمانده است. به این معنی که تمامی مطالب یک صفحه، در همان شماره صفحه قرار دارد.

۲- متأسفانه نگهداشتن طول سطرها به همان صورت امکان‌پذیر نبود و بنابراین کلماتی که در نسخه اصلی در سطر مشخصی قرار دارند، به احتمال زیاد در متن تایپی در سطر دیگری جای گرفته‌اند.

۳- در نسخه چاپی، هر یک از صفحات ۲۱ و ۲۲ شامل دو صفحه هستند که بالا و پایین هم و به صورت افقی قرار دارند. این صفحات را جداگانه در پایان فایل نیز آورده‌ام تا مراجعه به آنها آسان شود.

۴- صفحه‌بندی این دو صفحه به صورت دو صفحه روبروی هم و به شکل ۴ - ۱ و ۲ - ۳ است. برای اینکه ترکیب صفحات به هم نخورد، در نسخه تایپی نیز این ترتیب رعایت شده است.

با وجود تمام دقتی که در تایپ و تطبیق آن با متن اسکن شده به کار رفته است، امکان اشتباه در آن منتفی نیست و طبیعتاً مسئولیت آن به عهده من است.

از خوانندگان گرامی تقاضا دارم:

۱- اگر نسخه بهتری در دسترس دارند، آن را برای سایت بفرستند تا جایگزین نسخه فعلی شود.

۲- اشتباهات تایپی یا خوانشی را با من در میان بگذارند تا اصلاح شوند.

با مهر بسیار

اژدر بهنام

۱۵ بهمن ۱۳۹۸

برابر با ۴ فوریه ۲۰۲۰

## گزارشی پیرامون توطئه نفاق افکنانه کشتگر - هلیل رودی

رفقا!

انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی ایران در لحظات خطیر و مخاطره انگیزی بسر می برد. اینک زمانی است که خلق قهرمان میهن انقلابی ما بیش از هر زمان به وحدت نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیازمند است. امپریالیسم آمریکا که آخرین نقشه ها و توطئه هایش نقش بر آب شده و شکست خورده است، نقشه ها و توطئه های جدیدی را طراحی و تعقیب می کند.

در شرایطی چنین حساس دسته کشتگر - هلیل رودی بدنبال اقدامات نفاق افکنانه و سازمان‌شکنانه پیشین، با طرح توطئه برعلیه سازمان با گمراه کردن عده ای ناآگاه، بر علیه سازمان، سنگر پیشین را ترک کرده و همانند تمامی سکتاریستهای سابق نام سازمان را نیز بر خود نهاده اند. اینان در تلاشند که دسته و گروهی را علیه رهبری سازمان و حزب توده ایران، سازمان دهند و چنین وانمود کنند که سازمان درهم شکسته است.

ما در این مختصر برآنیم که جدا از تحلیل ایدئولوژیک - سیاسی انشعاب، گزارشی از روند شکل گیری و چگونگی انجام توطئه ارایه دهیم. امیدواریم این گزارش بتواند حقایق تحریف شده توسط توطئه گران را برای رفقای سازمان آشکار کرده و بویژه کمکی باشد برای آن عده از عناصر صادقی که به دلایل نارساییهای تشکیلاتی و عدم اطلاع از حقایق، سازمانشان را ترک گفته اند. امیدواریم این گزارش بتواند در بازگشت آنان به سنگر سازمان مفید واقع شود. ما ایمان داریم که چنین نیز خواهد شد و آنان که صداقت دارند، حقایق را بزودی باز خواهند یافت و همچنان که بارها تاکید شده است آغوش سازمان به روی عناصر صادقی که مرتکب اشتباه شده ولی راه را بازمی یابند و صادقانه از خود انتقاد می کنند، باز خواهد بود. از همین روست که تمامی رفقای سازمانی موظف و متعهد هستند که تمامی تلاش خود را برای بازگرداندن نیروهای صادقی که جذب توطئه گران شده اند، بکار گیرند. ما موظف هستیم که کمک کنیم تا یاران صادق دیروز ما که فریب توطئه گران را خورده اند، بتوانند راه درست را بیابند.

سنگر استوار و پولادین طبقه کارگر ایران بارها در جریان تحولات تاریخی مورد یورش کج اندیشان و دشمنان طبقه کارگر قرار گرفته است. ولی موج تاریخ در سنگر استوار طبقه کارگر قدرتمند میهنمان همچنان به حرکت خود ادامه داده و خواهد داد.

### شکل گیری اختلاف و روند تشکیل پلنوم مرداد ماه

پلنوم آذرماه یکی از پربرترین دستاوردهای تاریخ تحول ایدئولوژیک سازمان ما بشمار می آید. آنچه در این پلنوم به تصویب کمیته مرکزی سازمان رسید سرآغاز تحولی شد که اینک، نتایج عملی آن در عرصه پراتیک اجتماعی از جمله در امر وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران خود را نشان می دهد. بعلاوه تغییر در نگرش ما نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری و بویژه سوسیالیسم عملاً موجود ثمره رسمی این پلنوم محسوب می شود. بر اساس مصوبات این پلنوم بود که اسناد تاریخی جلسات مشاوره ۵۷، ۶۰ و ۶۹ احزاب کمونیستی و کارگری از سوی سازمان انتشار یافت. انتشار این اسناد که به معنی پذیرش خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی از جانب سازمان تلقی می گردید، بلافاصله در دستور آموزش کلیه اعضاء قرار گرفت.

اکنون که گذشته را مرور می کنیم، باید به شکل گیری اختلاف نظر در سطح رهبری سازمان و پیدایش دو تلقی گوناگون و دو نظر متفاوت نسبت به این اسناد و چگونگی برخورد از جانب رهبری سازمان تاکید نمایم. در پلنوم آذر و بویژه در مباحث مقدماتی تشکیل پلنوم یک نظر که در مقالات «به پیش» با امضای "پرهام" و "علایی" بازتاب می یافت اعتقاد داشت که سازمان می بایست اسناد جنبش جهانی کمونیستی و کارگری را به بحث درون سازمانی بگذارد و پس از نقد و بررسی کامل، وجوه قابل پذیرش آن را معین نماید. این نظر ضرورتی برای پذیرش خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی بمثابه قطب نمای حرکت، قائل نبود! و در حقیقت اعتقادی به محصول خرد جمعی عالیترین مرجع کمونیستهای جهان

نداشت. یا حداقل هنوز در تردید و دودلی بسر می برد!  
این نظر با طرح این امر که در درون جنبش جهانی کمونیستی احزاب مختلفی چون احزاب کمونیست شوروی و اروپای شرقی، کره شمالی، ویتنام، کوبا، ایتالیا و فرانسه وجود دارند چنین نتیجه گیری می کرد که در درون جنبش جهانی کمونیستی بلوکها و جریانهای متفاوتی وجود دارند و پذیرش جنبش جهانی کمونیستی بمعنی پذیرش تئوریهای پذیرفته شده در این جنبش و خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی نیست. ما باید اسناد جنبش جهانی کمونیستی را به بحث گذارده و موضع خود را در قبال بلوکهای متفاوت جنبش جهانی کمونیستی روشن کرده و خود دارای "صندلی مستقل" در جنبش جهانی کمونیستی باشیم. این نظر بطور آشکار در مقاله پرهام در "به پیش" شماره ۲ منعکس گردیده است.

نگرش دیگر که دیدگاه اکثریت کمیته مرکزی سازمان بود، اعتقاد به وجود جنبش جهانی کمونیستی بمثابه یک کل داشت و معتقد بود که امروز درک درست از مارکسیسم - لنینیسم خلاق تجلی عینی خود را در خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی یافته است. این اسناد محصول خرد جمعی کمونیستهای جهان می باشد. پذیرش این مواضع بعنوان یک امر تخطی ناپذیر، برای تمامی کمونیستهای جهان بمثابه راهنمای عمل آنها ضروری است. در این صورت اختلاف همواره در این یا آن مورد معین می تواند مطرح باشد.

روشن است نگرش دوم در پلنوم آذرماه رسمیت یافت و بجای بحث و بررسی انتقادی، آموزش خط مشی جنبش جهانی کمونیستی در دستور قرار گرفت. در آن زمان رشد و تکامل سازمان اجازه نداد که نظر اول بتواند موقعیتی پیدا کند. علیرغم تلاش دست اندرکاران توطئه کنونی، نظر اول شکست خورد و در نتیجه دوستان طرفدار نظر اول در مقابل آگاهی و پختگی تشکیلات به نظر رسمی سازمان تمکین نمودند! هرچند عمق کج اندیشی اینان را هنوز نیز می توان در بیانیه آنها مشاهده کرد. اینان پس از گذشت یک سال از پلنوم آذر هنوز درک حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را از انترناسیونالیسم پرولتری درکی مبتنی بر ناسیونال نیهیلیسم تلقی می کنند. (صفحه ۵ بیانیه).

در فاصله پلنوم آذرماه تا اسفندماه، مباحثات اصلی در رهبری سازمان پیرامون وحدت در جنبش کمونیستی بود که در مقاله مرزبندی، علیرغم کاستی های آن انعکاس یافت. مقاله مرزبندی با وجود انتقاداتی که بدان وارد است، در توضیح نقش و اهمیت پذیرش تئوریهای پذیرفته شده جنبش جهانی کمونیستی، در وحدت کمونیستهای یک کشور گام بلندی به پیش بود و رفقای سابق ما با همین امر که جوهر اساسی نگرش مقاله مرزبندی و سمت گیری آن درست است، مخالف بودند. آنها ابتدا تحت پوشش انتقادات مشخص مقاله مرزبندی را مورد نقد قرار دادند. رهبری سازمان در فاصله انتشار مقاله مرزبندی و پلنوم اسفند ماه انتقادات طرح شده توسط رفقای مختلف را مورد مطالعه قرار داده و نتایج این مطالعه در قطعنامه پلنوم اسفند ماه منعکس گردید. همچنین در سرمقاله "به پیش" نیز جوانبی از آن توضیح داده شد. ولی ادامه و طرح انتقادات نشان داد که آنها اساساً نقش پذیرش خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی را در وحدت کمونیستهای یک کشور مورد تردید قرار می دهند و امروز آشکار گردید که روح حاکم بر مقاله با نظرات ضدوحدت رفقای سابقمان در تضاد جدی قرار داشته و دارد.

در پلنوم اسفندماه که به منظور اظهار نظر پیرامون وحدت حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و تصویب ضرورت آن تشکیل گردید، کشتگر، مبرم بودن وحدت را نفی و در دستور کار سازمان قرار گرفتن آنرا نادرست دانسته و به همراه همایون در جریان مباحثات تمامی کوشش خود را بکار بردند که قطعنامه تصویب نشود و وقتی آشکار شد که قطعنامه پلنوم تصویب خواهد شد، رفقای مذکور در ضمن داشتن انتقاداتی جدی به قطعنامه پلنوم رای مثبت دادند. لیکن مواضع علی و همایون که در جریان این اجلاس بر هم منطبق بود با نظر اکثریت رفقای کمیته مرکزی تفاوتهای آشکاری داشت که در تند نویسی صورت جلسات و قرارهای پیشنهادی رفقا موجود است.

قطعنامه پلنوم اسفندماه که به اعتقاد ما اساسی ترین گام در راه تدارک وحدت حزب توده ایران و سازمان را با اعلام این موضوع که هر دو گردان دارای بنیان ایدئولوژیک مشترک و موضع واحد نسبت به جنبش جهانی کمونیستی هستند، برداشت.

اکثریت کمیته مرکزی سازمان بر این اعتقاد بود که وجود بنیان مشترک ایدئولوژیک بناچار و

قطعا خواهد توانست با فعالیت وحدت طلبانه طرفین سایر مشکلات موجود در راه وحدت حزب و سازمان را هموار نماید و این به لحاظ تاریخی برای پلنوم اسفند موفقیت بسیار عظیمی محسوب می گردد.

لازم است یاد آور شویم که در مقطع برگزاری پلنوم اسفند، کمیته مرکزی سازمان هنوز نظر روشنی نسبت به موقعیت حزب توده ایران و برنامه حزب و همچنین درک معینی از خط مشی وحدت نداشت. بهمین دلایل بطور کلی اظهار نظر نموده و چگونگی برخورد با این موارد به پلنوم آتی و کنگره سازمانی محول گردید. لیکن کمیته مرکزی سازمان در آن تاریخ به هیچ وجه بر این اعتقاد نبود که تا تشکیل کنگره سازمانی هیچ اقدام معینی در جهت تدارک وحدت نباید صورت گیرد. کمیته مرکزی کماکان این اعتقاد را دارد. این برخلاف ادعای توطئه‌گران است که هنوز نیز بر آن پای می فشارند.

در فاصله اسفند تا مرداد ماه بر اساس وظایف محوله از جانب پلنوم اسفندماه، هیات سیاسی بحث پیرامون تعیین خط مشی وحدت را در دستور کار خویش قرار داد. و در فروردین ماه ۶۰ پیش از ۶۰ ساعت بحث حول این مبحث صورت گرفت که صورت جلسات آن موجود است. سپس مدتی به دلایل تحولات مهم سیاسی برکناری بنی صدر و درگیری خط امام با مجاهدین و نیز شرکت در مناظره تلویزیونی و برگزاری میتینگ ها و درگیری های تشکیلاتی در پیشبرد این کار وقفه قابل توجهی پدیدار شد. لیکن هیات سیاسی در فرصتهایی سعی نمود دستور جلسه پلنوم آتی و همچنین دستور معین شده کمیته مرکزی را سازمان دهد.

بالاخره در خرداد ماه ۶۰ پیش نویس قطعنامه پلنوم تهیه شد. در این قطعنامه به دلیل اینکه هنوز رفقای هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان درک واحدی نسبت به ارزیابی از حزب توده ایران و سازمان نداشتند، قرار هیات سیاسی بر مبنای عدم قطعیت نظر پیرامون این مساله تهیه شد.

اساس قطعنامه پیشنهادی بر سازماندهی گسترده ترین اتحاد عمل و مشاوره با حزب توده ایران قرار داشت و طبق مباحث هیات سیاسی اظهار نظر پیرامون موقعیت و برنامه حزب توده ایران و همچنین شکل وحدت بعنوان بخشی از خط مشی وحدت به بعد موکول شد. زیرا در هیات سیاسی اعتقاد بر این بود که شکل گیری اتحاد عمل و مشاوره خود به حل این مسایل کمک جدی و موثر خواهد نمود و چنین نیز شد.

پیش نویس قرار مصوب هیات سیاسی سازمان در خرداد ماه برای اظهار نظر کمیته های ایالتی و ارگانهای مرکزی همپراز ارسال گردید. قرار بود اجلاس کمیته مرکزی در ۸ تیر ماه تشکیل گردد و همچنین رفقا موظف شده بودند حداکثر ۱۰ روز مانده به تشکیل جلسه نظرات و یا قطعنامه پیشنهادی خود را ارسال نمایند. پلنوم کمیته مرکزی به دو دلیل به مرداد ماه موکول شد: ۱- تحولات جدی سیاسی برکناری بنی صدر و ماجراجوییهای ضدانقلابی مجاهدین و نیز شهادت بهشتی و یارانش و عوارض تبعی آن ۲- تقاضای عده ای از رفقا و تقاضای کتبی همایون جهت به تاخیر افتادن جلسه، تا امکان اظهار نظر دقیق تر فراهم شود. در این فاصله فرصت کافی جهت تدوین قطعنامه و ارایه پیشنهاد وجود داشته است. اسناد موجود نشان می دهد که علی و همایون علیرغم اعتراضات شدید به قطعنامه پیشنهادی هیات سیاسی کمیته مرکزی نظر مکتوب و معین یا قطعنامه پیشنهادی دیگری ارایه نداده اند. تمامی انتقادات ارسالی و نظر رفقای کمیته های ایالتی تا آنجا که ارسال شد، در اختیار رفقای کمیته مرکزی قرار گرفت. این اسناد در بایگانی سازمان نیز موجود است. کمیته های ایالتی و ارگانهای مرکزی چه بوسیله مسوول ایالت و چه بصورت مکتوب جوهر قطعنامه هیات سیاسی را با ارائه انتقادات و اصلاحات مفید مورد تأیید قرار داده اند. در ارگانهای مرکزی سازمان بجز نشر و ترجمه و حوزه اقتصاد که نظر مخالف داشته اند، اسناد موجود مخالفت ارگان دیگری را نشان نمی دهد! در مواردی معدود از جانب برخی رفقای کمیته های ایالتی و ارگانهای مرکزی مخالفت هایی وجود داشت.

توجه به طی پروسه تصویب قطعنامه پلنوم مرداد حائز اهمیت جدی است، زیرا شاید اولین اجلاس کمیته مرکزی است که با تدارکات مقدماتی نسبتا کافی و مشورتهای در حدود امکان با سایر مسوولین و کادر رهبری سازمان، با قرار از قبل تعیین شده، تشکیل شد. تصادفی نیست که همین پلنوم از سوی توطئه‌گران بعنوان مظهر نفی حقوق دمکراتیک تشکیلات تلقی می گردد. در ادامه گزارش نشان خواهیم داد که این رفقا از هیات سیاسی می خواهند قطعنامه ای را که با چنین تدارکی تصویب شده است مردود اعلام کند.

البته رفقای سابقمان علی و همایون، در پلنوم نیز خود قطعنامه ای ارایه ندادند و از قطعنامه ارایه شده از سوی یکی از رفقا که آنهم برای اولین بار در پلنوم به رویت رفقا رسیده بود، دفاع کردند.

اینان که قبلاً تلاش داشتند از طریق به تعویق انداختن پلنوم و ادامه مباحثات، پیشرفت در جهت تدارک وحدت سازمان و حزب را سد کنند، وقتی موفق نشدند، تمهیدات دیگری تدارک دیدند. این دوستان بویژه بعد از پلنوم مردادماه مدافعین پروپا قرص قطعنامه پلنوم اسفندماه شدند و آنرا محصول تلاش موفقیت آمیز خود تلقی و معرفی نمودند. چیزی که قبل از مردادماه به این شکل مطرح نبود! و منفدین پلنوم اسفند تا ماه مرداد نیز همین رفقا بودند! آیا روند بی بازگشت و وقفه ناپذیر وحدت، اینان را نگران نکرده بود؟! اگر چنین نیست از چه روی با قطعنامه مردادماه مخالفت می شود. در حالی که این دوستان هم در مرداد ماه، هم بعد از آن بارها اعلام داشته اند از اتحاد عمل و مشاوره در گسترده ترین ابعاد آن استقبال می نمایند!! گرچه در بیانیه رسمی شان اشکالی از اتحاد عمل را نیز مورد نقد و اعتراض قرار داده اند! حرکت گذشته اینها نشان می دهد که آنها همواره کوشیده اند در مقابل پیشرفت و تکامل سازمان ایستادگی کنند و زمانیکه شکست خوردند با هواداری از مواضع پیشین سازمان کوشیده اند سازمان را به مواضع گذشته بازگردانند. "پرهام" کوشید که پلنوم آذرماه شکست بخورد و موفق نشد. علی و همایون کوشش کردند پلنوم اسفند ناموفق شود، ولی امروز در برابر مصوبات پلنوم مرداد به هواداری از مصوبات پلنومهای آذر و اسفندماه برخاسته اند.

#### از پلنوم مردادماه تا ۱۴ آذرماه

پس از پلنوم مردادماه درچندین جلسه مشترک بین نمایندگان کمیته های مرکزی حزب توده ایران و سازمان، برنامه ریزی اتحادعمل و مشاوره در عرصه های معین شده و در چهارچوب قطعنامه پلنوم مردادماه انجام گرفت. هیات سیاسی تلاش خود را برای ارایه برنامه ای معین جهت سازماندهی مباحثی که پلنوم در دستورکار قرار داده بود، متمرکز نمود.

در پلنوم مردادماه از سوی عده ای از رفقای کمیته مرکزی به پلنوم پیشنهاد شد که در قطعنامه پلنوم، حزب توده ایران بمثابه حزب طرازنوبن طبقه کارگر ایران ارزیابی شود. رفقای کمیته مرکزی به استثنای همایون، نظر فردی خود را دایر بر این شناسایی اعلام کردند. ولی پلنوم ترجیح داد بعلت تنگی وقت و نیز به جهت شرکت کمیته های ایالتی در ارزیابی حزب توده ایران، نظر رفقای کمیته مرکزی در این مورد به رفقای سازمان اعلام و نظر قطعی کمیته مرکزی نسبت به پیشنهاد رفقا، به اجلاس دیگری محول شود. در نشست مهرماه کمیته مرکزی، کمیته مرکزی و مشاورین بااستثنای علی و همایون، نظر خود را در مورد حزب توده ایران بمثابه حزب طرازنوبن طبقه کارگر اعلام کردند. این نظر کمیته مرکزی به اطلاع رفقای سازمان رسید. ضمن اینکه امر تعمیق و درک دقیق تر این ایده و آموزش آن در سازمان، تا اعلام رسمی نظر کمیته مرکزی در سطح جنبش همچون گذشته مورد توجه جدی رهبری قرار داشت.

در ارتباط با بررسی تاریخ گذشته حزب توده ایران در بحث مقدماتی با رفقای توده ای برخی از مهمترین مسایل مربوط به گذشته حزب مورد بحث قرار گرفت و رفقای حزبی پیشنهاد کردند جهت جلوگیری از صرف انرژی بیهوده، اسناد حزبی که ممکن است موجود نباشد، چاپ شده و در دستور مطالعه سازمان قرار داده شود. سپس در صورت وجود ابهامات، سئوالات معین گردد و روش حل آنها مشخص شود (امیدواریم در هفته های آتی تلاش ارزشمند چندین ماهه رفقای حزبی، این اسناد در اختیار دوستان صدیق جنبش کمونیستی میهن قرار گیرد). حزب توده ایران جمع بندی نظر خود را پیرامون ارزیابی حزب توده ایران بعنوان حزب طرازنوبن طبقه کارگر ایران توسط رفیق جوانشیر در کتاب سیمای مردمی حزب توده ایران در آذرماه ۶۰ انتشار داده است. رهبری سازمان ما نیز مقاله ای در این زمینه در اختیار رفقای کمیته های ایالتی قرار داده که پس از تصحیح مجدد در اختیار فعالین تشکیلات قرار گرفت و تدارک انتشار آن در آینده نزدیک دیده خواهد شد. در این زمینه حداقل یک ماه قبل نواری حاوی نظرات و استدلالهای رهبری سازمان به درون تشکیلات فرستاده شده است. قابل تاکید است که مباحث حول این موضوع از همان مردادماه ۶۰ در حوزه های سازمانی

انجام گرفته است و می توان اظهار اطمینان کرد که غالب کادرها و فعالین سازمان در این زمینه دارای نظر قطعی هستند.

بحث پیرامون برنامه حزب توده ایران بعنوان برنامه طبقه کارگر ایران، هنوز بحثی پایان نیافته تلقی می گردد. مباحث مقدماتی در هیات سیاسی سازمان صورت گرفته است و روی این موضوع نیز توافق حاصل آمده است که برنامه حزب مورد بحث قرار گیرد و از این رو نیازی به تدوین برنامه دیگری وجود ندارد. اصولی تر این است که سازمان نظر خود را پیرامون برنامه حزب توده ایران و در نقد و تکمیل آن اظهار نماید. لذا کمیسیونی جهت سازماندهی این بحث از سوی هیات سیاسی سازمان انتخاب شده است. این کمیسیون موظف گردید کلیه سئوالات و ابهامات رفقای رهبری منجمله سئوالات و ابهامات رفقای مخالف را با نمایندگان حزب طرح نموده، پس از شنیدن پاسخ حزب و روشن گردیدن دستور جلسات، جلسات مشاوره در سطح کمیته مرکزی و سپس در سطح شعب مرکزی و کمیته‌های ایالتی و کمیته شهرهایی که توسط شعبه تشکیلات معین می گردند، سازماندهی گردد و سپس پلنوم کمیته مرکزی راجع به برنامه حزب اعلام نظر نماید. تا بحال اولین جلسات رفقای مسوول از طرف هیات سیاسی با نمایندگان حزب برگزار گردیده و نتایج آن در اختیار رفقای کمیته مرکزی قرار گرفته است. در اینجا باید اعلام کنیم که علی و همایون بعلت دریافت مداوم و هفتگی گزارش هیات سیاسی در جریان تمامی مباحث، تصمیمات و پیشرفت کار قرار داشته اند.

\*\*\*\*

پلنوم مردادماه باتفاق آراء تصویب نمود که مباحث کمیته مرکزی سازمان پیرامون پذیرش یا رد قطعنامه پلنوم از طریق مسوولین بخش به تشکیلات منتقل گردد. رفقای سابق ما مخالفتی با این امر نداشتند. پس از پلنوم مرداد، هیات سیاسی سازمان رفیق مسوول نشریه "به پیش" را موظف کرد تا رساله ای به نام هیات تحریریه به پیش و در دفاع از قطعنامه مردادماه تهیه و آماده نماید. (لازمست رفقا اطلاع داشته باشند که هیات تحریریه به پیش مرکب از یک نفر از رفقای هیات سیاسی، همایون و یک نفر دیگر از رفقای کمیته مرکزی سازمان بوده است). انتخاب رفیق سابقمان همایون برای هیات تحریریه به پیش دقیقاً از زاویه تلاش مسوولانه رهبری سازمان جهت ایجاد تفاهم و همفکری بیشتر بوده است. زیرا در همان زمان انتخاب وی، وجود اختلاف نظرات روشن بوده است. علی و همایون نیز قرار بود مقاله‌ای در ارتباط با علت مخالفتشان با قطعنامه مردادماه جهت درج در نشریه به پیش تحویل دهند. پیش نویس هر دو مقاله در مهرماه آماده بود که علی و همایون جهت تصحیح و تکمیل مقاله، پیش‌نویس را از رفیق مسوول نشریه بازپس گرفتند.

در این فاصله، هیات سیاسی سازمان تصمیم گرفت میارزه ایدئولوژیک به شیوه به پیش در سازمان قطع و نشریه به پیش تعطیل شده و مباحث مربوط به موارد اختلاف مورد برنامه و مقالاتی که از جانب رفقای کمیته مرکزی نوشته می‌شود، با اجازه هیات سیاسی و با هدایت آن تا سطح کمیته های ایالتی و ولایتی مورد بحث گذاشته شود. همانگونه که رفقا مطلعند، دلایل قطع به پیش طی مقاله ای به تشکیلات فرستاده شد. هیات سیاسی حتی اجازه داد که در مورد قرار ۷ مرداد که به تصویب کمیته مرکزی رسیده بود و به بحث گذاشتن آن بلاموضوع بود، علی و همایون نظر و دلایل مخالفت خود را با قطعنامه پلنوم طی مقاله‌ای جهت ارائه به کمیته‌های ایالتی و کمیته‌های شهر در اختیار هیات سیاسی قرار دهند. این تصمیم از جانب هیات سیاسی برای حفظ همبستگی و وحدت سازمان گرفته شد. ولی متأسفانه تا اواخر آبان ماه مقاله مزبور از جانب آنها به مسوول نشریه به پیش یا دبیر مسوولشان تحویل داده نشد. درحالیکه مخفیانه به همفکران خودشان در تشکیلات داده بودند.

در این فاصله چندین بار به رفقا جهت تحویل مطلب مراجعه شد، که غالباً با پاسخهای مبهم از دادن مطلب تهیه شده سر باز زدند. این قانون شکنی آشکار در حالی صورت می گرفت که این نوشته و تعدادی نوشته‌های دیگر در بین یاران آنها و رده‌های پایین تشکیلات بصورت کاملاً مخفیانه و دور از چشم مسوولین توزیع می شد (اگر رفقا توجه کنند درخواهند یافت که هیچکدام از بخشنامه‌ها یا جزوات آنها تاریخ و امضاء ندارد و این اقدام آگاهانه جهت باقی نگذاشتن رد انجام گرفته است).

از همین زمان و قبل از بررسی هیات سیاسی پیرامون نشریه به پیش که منجر به عدم انتشار آن گشت، خیرهایی از تشکیلات دال بر اقدامات تشکیلات شکنانه، پخش جزواتی در درون تشکیلات، گذاشتن جلساتی در رده‌های پایین‌تر تشکیلات توسط عناصری از ارگان مرکزی، ترجمه و نشر، اقتصاد به اطلاع هیات سیاسی سازمان می‌رسید. ابعاد این اخبار بویژه در خوزستان گسترده بوده است.

مقدمتاً ما از کار مشترک رفقای سابق حوزه اقتصاد و نشر و تهیه جزواتی اطلاع حاصل کردیم. بعثت اعتماد رفیقانه به رفقای سابقمان علی و همایون، تصور هیات سیاسی سازمان بر این نبود که ممکن است این دوستان دست به اقدامات رسمی علیه رهبری سازمان و ایجاد دسته‌بندی بزنند و تبادل جزوات بویژه در سطح حوزه تحت مسوولیت علی کشتگر، گرچه امری غیر تشکیلاتی تلقی می‌شد، لیکن قبل از عدم انتشار به پیش گمان می‌کردیم آنها قصد تصحیح و تکمیل مطالب و تحویل آن به رهبری سازمان را دارند. با گذشت زمان اخبار نگران‌کننده بیشتری بویژه در ارتباط با تبلیغات رسمی و مسموم علیه رهبری سازمان توسط فرد بهروز سلیمانی و تلاش او برای سازماندهی رفقای کرد مقیم مرکز جلب توجه کرد. چنین پدیده‌ای در سطح تشکیلات از جانب رهبری سازمان اقداماتی سازمان شکنانه تلقی می‌شد ولی هنوز به این حد جدی انگاشته نمی‌شد. بررسی پیرامون چگونگی برخورد با این پدیده در جریان بود که در تاریخ ۶۰/۸/۷ نامه‌ای از همایون خطاب به هیات سیاسی سازمان در اختیار این ارگان سازمان قرار گرفت.

(چند کلمه ناخوانا) احتمالاً به این صورت است: این نامه نگرانی هیات سیاسی سازمان را نسبت به سرنوشت رفیق سابقمان همایون و طبعاً علی یار نزدیک او افزون ساخت. این نامه که سراپای آن حاکی از عدم اعتماد به رهبری سازمان بود، زنگ خطر جدیدی را با توجه به حرکات گذشته سکتاریستها صدا در می‌آورد. لذا بعنوان مقدم‌ترین وظیفه، هیات سیاسی سه نفر از رفقا را موظف کرد که به بحث با رفیق همایون نشستند و زوایای مختلف و عواقب این برخورد غیر رفیقانه را مسوولانه و با تمامی دقت برای وی بشکافند.

تلاش مسوولانه رفقای هیات سیاسی برای افناع همایون که از پیشرفت امر وحدت نگران و هراسان شده و ابعاد و "نتایج فاجعه‌انگیز" این پیشرفت را در نامه خود تذکر می‌داد، بکارگرفته شد. نامه همایون ضمن ستایش از وحدت اصولی ادعا کرده است "ولی آنچه شما در مقام هیات سیاسی سازمان در طول زمانی که مساله وحدت مطرح بوده است، پیش برده‌اید دقیقاً خلاف این اصولیت ایدئولوژیک، مغایر مصالح جنبش کمونیستی و منافع طبقه کارگر و خلاف آن آرمان و اهدایی بوده است که مشترکاً برای آن مبارزه کرده ایم". نامه به‌جای اینکه در این موارد "کمپته مرکزی" سازمان را مخاطب قرار دهد، هیات سیاسی سازمان را متهم می‌کند که بطور "خزنده و نهانی" نظرات "ضدوحدت" خود را پیش می‌برد. اقدامات هیات سیاسی سازمان را با هیچ "ملاک و معیار انقلابی و کمونیستی سازگار" نمی‌داند. نامه همایون در جای دیگر ضمن تاکید بر این واقعیت که هم در جهان و هم در داخل سمت حرکت کمونیستها وحدت است، می‌نویسد: "در این شرایط و در همان راستای وحدت‌گرایی و دقیقاً بخاطر وحدت اصولی گسترش اختلاف ایدئولوژیک و شاید در صورت پافشاری بر شیوه‌های اسلوب‌های غیرمارکسیستی حتی مشکلات و مسایل دیگر اجتناب‌ناپذیر باشد." رفقا اندکی دقت در کنه این پیام که از یک سو نوید وحدت "اصولی" و از سوی دیگر تشدید اختلافات ایدئولوژیک و بویژه تاکید بر مشکلات و مسایل دیگر اجتناب‌ناپذیر را طرح می‌کند چه ایده‌ای نهفته است. در سر تا پای این نوشته سازمان و رهبری آن را در حال توطئه علیه او و علی می‌پندارد و ذره‌ای اعتماد رفیقانه به چشم نمی‌خورد و مطالعه دقیق آن نشان می‌دهد که جهت بهره‌برداری تبلیغی آتی تنظیم شده است. بزرگ کردن برخی نارسایی‌های واقعی و زدن اتهام انحلال هیات سیاسی و غیره برای همین منظور بوده است.

همایون در پایان مطلب می‌نویسد: "لازم است بصراحت اعلام کنم که شما مسوول عواقب تمامی رویدادها و نیز رویدادهای قابل پیش‌بینی و تلخ آینده هستید" در پایان طرح این اتهامات ناروا به هیات سیاسی سازمان، مصرانه از هیات سیاسی سازمان می‌خواهد که:

۱- پیشبرد خزنده نظرات جفا متوقف گردد، حقوق اعضا و موازین دمکراتیک رعایت گردد. زبان عدم صراحت و ابهام‌گویی در قبال تشکیلات کنار گذاشته شود و رفقا صریحاً نظرات خود را در قبال چگونگی امر وحدت اعلام کرده و از آن دفاع نمایند. همچنین اقدامات لازم برای سازماندهی اصولی ساخت درونی حول مسایل برنامه‌ای فراهم گردد.

۲- نظرات رفقای که در پلنوم مرداد به قطع نامه رای مخالف داده‌اند چه در قبال مساله وحدت و چه در قبال مسایل برنامه‌ای در اختیار کلیه اعضا سازمان قرار گیرد.

۳- هر چه زودتر تدارک لازم برای تشکیل کنگره که بتواند آگاهانه مواضع سازمان را در قبال امر وحدت برنامه و موقعیت سازمان و حزب تعیین نماید آغاز شود.

بدنبال دریافت این نامه از سوی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان که موجب تاسف عمیق رهبری سازمان گردید نمایندگان مامور شدند تا توضیحات لازم را به او بدهند و عواقب چنین نگرش زیان‌بار و خطرناکی را برای او روشن نمایند. در این تلاش ما سعی کردیم همایون را بسمت برخوردی معقول، هدایت نماییم.

رفقای نماینده هیات سیاسی سازمان در برخورد و توضیح مطالب مندرج در این نامه با نویسنده آن به بحث پرداختند و رفقا آگاه هستند که زبان ابهام‌گویی بهیچ‌عنوان بکار گرفته نشده و ما نظرات رهبری سازمان را تا حدود معین شده آن به تشکیلات اعلام نمودیم و قبل از دریافت این نامه هم تدارک تهیه نوارهایی جهت تصریح دقیق نظرات رهبری در جریان بوده است و باز گفتیم که ما سازماندهی مباحث حول برنامه حزب را در دستور کار داشتیم و جالب است که پیشنهاد رفیق در مورد ارسال نظر علی و همایون قبلاً به رفقا ابلاغ شده بود. نمایندگان هیات سیاسی با صراحت کامل و احساس مسوولیت عمیق به همایون تذکر دادند که این اقدامات زندگی سیاسی آینده او را به مخاطره میاندازد و او را مانند تمام کسانی که از سازمان جدا شدند و در برابر آن قد برافراشتند به مقابله با انقلاب و جنبش کمونیستی ایران خواهد کشاند. به همایون گفتند که سنگر مبارزه در راه وحدت سنگر سازمان است و بکوشد برای رفع اختلافات فی‌مابین و نارسایی‌های کار سازمان دست‌در‌دست رفقای کمیته مرکزی فعالانه کوشش بکند. با بزرگ کردن نارسایی‌ها و اختلافات خود را در برابر کمیته مرکزی قرار ندهد و مجری اصلی تخطی ناپذیر تبعیت اقلیت از اکثریت باشد و هر نظری که دارد در کمیته مرکزی طرح کند. رفقا به همایون گفتند مقابله با رهبری سازمان و حزب به چه معناست و به کجا می‌انجامد. ما به رفیق تذکر دادیم که برجسته کردن ضعف و نارسایی‌های سازمان از موضع دشمنی کار چه کسانی است.

حال جالب است که باصطلاح کمیسیون تشکیلات توطئه‌گران در تاریخ ۶۰/۹/۲۱ بر طبق سند شماره ۱ اعلام کرده است که همایون در نامه‌اش از ما خواسته است. الف - اجرای قطع‌نامه مرداد متوقف گردد. ب - طرح نظرات مخالف در سطح تشکیلات بلافاصله آغاز گردد. پ - در جهت تدارک نخستین کنگره حرکت شود. تفاوت تأکیدات مصرانه همایون در نامه‌اش و این پیشنهادات به وضوح روشن است و البته لازم است تذکر دهیم که در پایان مقاله‌ای که به امضای همایون و علایی بطور مخفیانه در تشکیلات بین یاران آنان پخش شده بود و اخیراً بدست رهبری سازمان رسیده است این پیشنهادات روشن‌تر مطرح شده است لیکن چنین پیشنهاداتی بهیچ‌عنوان قبل از یکشنبه ۶۰/۹/۱۵ بدست رهبری سازمان نرسیده و از سوی آنها چنین تقاضایی نشده بود. مهمتر اینکه این نامه از سوی یکی از اعضای کمیته مرکزی برای هیات سیاسی سازمان نگاشته شده بود بهیچ‌عنوان نشان دهنده نظرات جمعی نبوده و نشان دهنده وجود جریانی نبوده است.

در جریان همین تلاشها بخشنامه ذیل از طریق افرادی که با حوزه تحت مسوولیت آموزش در ارتباط غیر تشکیلاتی بودند بدست هیات سیاسی سازمان رسید.

توضیح سند شماره ۱:

- ۱- مشخصات عمومی خود را شرح دهید. (اسم(م) - سن- جنس - تاهل- وضعیت شغلی - میزان درآمد - میزان تحصیلات).
- ۲- سوابق مبارزاتی خود را از آغاز فعالیت سیاسی تا کنون شرح دهید. (باختصار)
- ۳- رده تشکیلاتی خود را ضمن توضیح اینکه از کی و چگونه به تشکیلات پیوسته‌اید و از چه زمانی به عضویت یا کاندیدای عضویت انتخاب شده‌اید.
- ۴- موقعیت تشکیلات کنونی و مسوولیت‌هایی که تا کنون داشته‌اید.
- ۵- نقاط قوت و توانایی‌های خود را توضیح دهید.
- ۶- چه انتقاداتی از جانب کسانی که با شما در رابطه بوده‌اند مطرح می‌شده و چه انتقاداتی را نسبت بخود می‌پذیرید.
- ۷- رنوس انتقاداتی را که نسبت به سازمان در زاویه تشکیلاتی وارد می‌دانید شرح دهید.
- ۸- رنوس انتقاداتی که نسبت به حزب توده دارید بیان کنید.
- ۹- از چه زوایایی ما را مورد تأیید قرار می‌دهید.
- ۱۰- رابطه کنونی خود را با کادرها، اعضا و محافل پیرامون سازمان ضمن توضیح کیفیت این روابط، مواضع، سمت‌گیری و درجه نزدیکی و پیوند آنها را با ما شرح دهید.

این سند که از جانب توطئه‌گران به منظور عضوگیری داده شده آشکار می‌کند که آنها در تلاشی سازمان برخلاف ادعای خود مصمم بوده و مخفیانه مشغول توطئه بوده‌اند.

- ۱- مشخصات عمومی خود را شرح دهید.
- (اسم(م) - سن- جنس - تاهل- وضعیت شغلی - میزان درآمد - میزان تحصیلات).



- ۲- سوابق مبارزاتی خود را از آغاز فعالیت سیاسی تا کنون شرح دهید. (باختصار)
- ۳- رده تشکیلاتی خود را ضمن توضیح اینکه از کی و چگونه به تشکیلات پیوسته‌اید و از چه زمانی به عضویت یا کاندیدای عضویت انتخاب شده‌اید.
- ۴- موقعیت تشکیلات کنونی و مسئولیت‌هایی که تا کنون داشته‌اید.
- ۵- نقاط قوت و توانایی‌های خود را توضیح دهید.
- ۶- چه انتقاداتی از جانب کسانی که با شما در رابطه بوده‌اند مطرح می‌شده و چه انتقاداتی را نسبت بخود می‌پذیرید.
- ۷- رؤس انتقاداتی را که نسبت به سازمان در زاویه تشکیلاتی وارد می‌دانید شرح دهید.
- ۸- رؤس انتقاداتی که نسبت به حزب توده دارید بیان کنید.
- ۹- از چه زوایایی ما را مورد تایید قرار می‌دهید.
- ۱۰- رابطه کنونی خود را با کادرها، اعضاء و محافل پیرامون سازمان ضمن توضیح کیفیت این روابط، مواضع، سمت‌گیری و درجه نزدیکی و پیوند آنها را با ما شرح دهید.

این بخشنامه که هم بلحاظ امنیتی و هم بلحاظ تشکیلاتی واجد اهمیت جدی و نشانگر توطئه‌ای سازمان‌یافته جهت سازماندهی مخفی درون سازمان ما بود، هیات سیاسی سازمان را برآن داشت تا تحقیقات جدی‌تر در این زمینه را آغاز نماید. منجمله رفقای مسوول در کمیسیون تشکیلات مامور شدند جهت بررسی وضع تشکیلات و توضیح دقیق مواضع رهبری سازمان و گزارش پیشرفت امور به مناطق تحت مسوولیت خود مسافرت نمایند.

از دیگر اقدامات هیات سیاسی تشکیل کمیسیونی بود از جانب هیات سیاسی سازمان جهت مذاکره جدی‌تر با این رفقا (علی و همایون) و درخواست هیات سیاسی سازمان بدنبال این سازمان‌شکنی، این طغیان ضدکمونیستی علیه رهبری در تشکیلات از این رفقا عبارت بود از اینکه اگر رفقا واقعاً اعتقاد دارند که رهبری جنبش عملاً موجود کمونیستی ایران در رهبری حزب توده ایران و رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) متبلور است، اگر رفقا فراکسیون‌ساز را در تشکیلات کمونیستی نمی‌پذیرند، اگر رفقا انشعاب و دسته‌بندی علیه این رهبری عملاً موجود را تایید نمی‌کنند و آن را اقدامی ضدکمونیستی می‌شناسند، نامه‌ای مشتمل بر این مضامین به رهبری سازمان بنویسند تا به سازمان داده شود. رفقا در آن اجلاس این پیشنهاد را پذیرفتند.

در ضمن رفقا اعتراض داشتند به عدم پیشرفت مبارزه ایدئولوژیک و مضامینی که همایون در نامه‌اش خطاب به هیات سیاسی سازمان نگاشته بود و بویژه تاکید داشتند که بایستی تعلیق و اخراج صورت نگیرد در حالیکه هیات سیاسی اعلام کرد که هیچگونه تعلیق و اخراج صورت نگرفته و در صورت اعتراض رفقا می‌توانند موارد را به هیات سیاسی گزارش نمایند. هیات سیاسی سازمان متعهد خواهد بود که بدقت تمامی موارد را بررسی کرده و جلو هرگونه تخلف را بگیرد ولیکن تاکید شد که پاسخ رفقا بهیچ عنوان مشروط به هیچ شرطی نمی‌تواند باشد این برخورد تنها روش حفظ وحدت و انسجام تشکیلات برای حل تمامی مسایل مورد اختلاف می‌باشد. ما به رفقا توضیح دادیم عده‌ای در تشکیلات زیر پرچم رفقا دست به دسته‌بندی علیه رهبری سازمان می‌زنند در صورتیکه رفقا با چنین پدیده‌ای موافق نبوده و خواستار حفظ وحدت سازمانی هستند، اصولی اینست که برای اینکه امکان برخورد معقول و منطقی و امکان بررسی درخواست‌های رفقا فراهم گردد مقدماً بدرخواست هیات سیاسی سازمان پاسخ مثبت داده شود که رفقا در پایان اجلاس تعهد کردند حداکثر در فاصله یک هفته از تاریخ مذاکره (جمعه ۶۰/۹/۱) در تکمیل مطلبی که در ارتباط با نقد پلنوم مرداد نوشته‌اند (همان مقاله‌ای که از مسوول نشریه به پیش برای اصلاح گرفته و بازنگردانیده بودند) درخواست هیات سیاسی را اجابت نمایند. حتی در آن اجلاس به رفقا تاکید و تصریح شد که دیگر رفقای هیات تحریریه کار حاضرند وظایف رفقا را در این هفته بدوش بکشند تا رفقا فرصت تدوین سریع مطلب را داشته باشند که رفقا حاضر شدند در ضمن انجام تعهداتشان در نشریه کار، این وظیفه را در یک هفته انجام دهند. لازم است تذکر دهیم که در این اجلاس نیز در مجموعه اعتراضات و انتقادات رفقا سخنی از نقد قطعنامه پلنوم مرداد یا انتقاد در سطح جنبش نسبت به بیانیه مشترک اساساً مطرح نبوده است. تلاش وحدت‌طلبانه رهبری سازمان هم اساساً متکی بر این اصل بود که بتواند جو تفاهم و اعتماد رفیقانه عمیق موجود در سطح رهبری سازمان را به این رفقا نیز تعمیم دهد.

در همین زمان بخشنامه دیگری از طریق همفکران آنها در تشکیلات بدست رفقای سازمان رسید که در آن ضمن طرح ایرادات و انتقادات معینی به بیانیه مشترک حزب و سازمان جهت سازماندهی اعتراض به این بیانیه رهنمودهای معینی داده شده که بعلت اهمیت عین سند در ضمیمه شماره ۲ آورده می شود.

در فاصله هفته ۹/۱ تا ۹/۹ که سند فوق بدست آمده بود، سند دیگری مبنی بر چگونگی برخورد با بیانیه مشترک بدست آمد که خطاب به باصلاح مسولین نگاشته شده بود که در سند شماره ۲ ضمیمه منعکس است.

پس از دریافت این دو سند و با توجه به نوع نگارش متن سند روشن شد که حداقل رفیق سابقمان علی در سازماندهی چنین فراکسیونی مستقیماً مداخله و نقش فعال دارد. سازماندهی اعتراض و یا بزبان ساده تر شورش علیه رهبری سازمان که مضمون اصلی این بخشنامه هاست و بصورت کاملاً مخفی و صرفاً از طریق یاران آنها بگونه ای که بدست رهبری سازمان نرسد توزیع گردید، چه معنایی می تواند داشته باشد. بدنبال دریافت این اسناد و حرکات احتمالی غلط بعضی از رفقای موافق کمیته مرکزی در برخورد با توطئه گران، هیات سیاسی سازمان جهت رسیدگی جدی تر به تخلفات تشکیلاتی و همچنین اعمال نظارت دقیق تر در روند استقرار اساسنامه و جلوگیری از سلب احتمالی حقوق اعضاء سازمان تصمیم به تشکیل کمیسیون رسیدگی گرفت که طی بخشنامه ۶۰/۹/۱۱ شماره ۹ سیار به تشکیلات اعلام گردید. (ضمیمه شماره ۴)

اگر رفقا با دقت این بخشنامه را مطالعه نمایند درخواهند یافت جهت جلوگیری از هرگونه تخلف حق استیناف برای تمامی تنبیهات انجام شده در ارتباط با اقدامات فراکسیونی در نظر گرفته شده است. بعلاوه به تمامی رفقای مسوول اکیداً تذکر داده شده بود که حداکثر انعطاف را داشته باشند.

بدست آمدن این مدرک بویژه نشانگر وجود سازماندهی معین و تعیین غیر قانونی مسوولینی در سطح تشکیلات برای یادگیری های رفقا بوده است و روشن است که انجام سازماندهی در تشکیلات، که تا سطح تعیین مسوولین مشخص گسترش یافته باشد نمی تواند در زمانی مثلاً یک یا دو هفته انجام پذیرد. مجموع اطلاعات و حوادث این هفته نشانگر وجود یک فراکسیون معین با رهبری مشخصی در تشکیلات بود که حضور رفقای سابق رهبری سازمان (علی و همایون) را در راس آن نشان می داد.

لیکن هنوز رهبری علیرغم تمام این شواهد تلاش می کرد تا بتواند رفقا را در بحث رفیقانه متقاعد کند و حتی رهبری سازمان بعلت اینکه رفقای سابق ما هرگونه اطلاع یا پیوندی را با فراکسیون موجود نفی می کردند با وجود اطمینان به بودن آنان به اتفاق هلیل رودی در راس توطئه گران از اعلام صدور بخشنامه شورش توسط آنان به تشکیلات امتناع کرد تا بحث با آنان را ادامه دهد. قرار بود در اولین اجلاس بعدی با آنان، جهت تحویل گرفتن پاسخ آنها به هیات سیاسی که قرار شده بود در پایان هفته تشکیل گردد، مدارک بدست آمده جهت اظهار نظر در اختیار آنها قرار گیرد و علت شرکت آنها در چنین روابط و هدف نهایی آنها صریحاً سوال شود. متأسفانه آنان که درست در خلاف جهت تلاش رهبری سازمان در برنامه ریزی پیشبرد توطئه بودند با هدف سوء استفاده از اعتماد رهبری سازمان وقت گذرانی می کردند.

هیات سیاسی جهت نشان دادن حسن نیت خود پذیرفته بود که آنها پس از یک هفته تمدید مجدد پاسخ را در آخر هفته از این رفقا دریافت کند. در این فاصله هم تلاش شد از طریق رفقای رهبری سازمان در جلسات دو نفره با رفقا موضوع به این دوستان کج اندیش تفهیم گردد.

گزارش رفقای اعزامی کمیته مرکزی به شهرستانها نشانگر تخلفات تشکیلاتی متعددی بویژه در اصفهان و خوزستان بود. رفقای اعزامی کمیته مرکزی در یک برنامه ریزی با مشارکت دادن بعضی عناصری از کمیته های ایالتی که وابستگی آنان به جریان توطئه گر روشن بود سعی کردند زمینه تماس گسترده تر با تشکیلات و توضیح و افشاء رفقای گمراه را فراهم نمایند. در این زمینه مسوول شهر اصفهان که خود از سردمداران توطئه بشمار می رود قرار شد باتفاق رفیق مسوول کمیته ایالتی و یکی دیگر از اعضاء کمیته ایالتی و یکی دیگر از اعضای کمیته ایالتی بازرسی را در سطح تشکیلات شهر اصفهان انجام دهند.

وی که خود در این حرکات غیرتشکیلاتی در شهر اصفهان قرار داشت پذیرفت که امر بازرسی حرکات غیر تشکیلاتی را انجام دهد. در خوزستان هیأت اجرایی برای چند نفر از افراد کمیته ایالتی که در سازماندهی حرکات غیرتشکیلاتی نقش رهبری را داشتند تقاضای اخراج از کمیته ایالتی نمود که کمیسیون موقت رسیدگی اظهار نظر در این مورد یا سایر موارد را به صحبت جدی تر با رفقا علی و همایون موکول کرد تا راه حل معقولی برای اختلافات به دست آید. توطئه گران در تبلیغات خود از تصفیه و اخراج های وسیع بخصوص در دو هفته اخیر نام برده اند. لازم بنظر است که کمیسیون رسیدگی که از طرف کمیته مرکزی مسوول پیگیری حرکات غیر تشکیلاتی بود تصمیم به اخراج یا تعلیق هیچیک از اعضاء تشکیلات را تصویب نکرده بود و این در حالی بود که دهها حرکت آشکار غیر تشکیلاتی به این کمیسیون گزارش گردیده بود و در عین حال این کمیسیون موظف بود که به شکایات هر یک از رفقای تشکیلات که در رابطه با مسایل فوق در چند ماه اخیر تنبیه گردیده اند رسیدگی نماید.

رهبری سازمان علیرغم وجود تخلفات آشکار تشکیلاتی سعی می کرد با نشان دادن حس تفاهم و نرمش بسیار با رفقای مختلف برخورد نماید.

این برخورد وحدت طلبانه رهبری سازمان در شرایطی صورت می گرفت که براساس رهنمودهای فوق که از جانب علی و همایون و هلیل رودی و همدستانش به یارانشان در تشکیلات ابلاغ شده بود حداکثر کارشکنی در پیشرفت کار انقلابی سازمان صورت می گرفت. در اصفهان به بهانه اشکالات و اشتباهات حتی از بخش اوراق "کار" حاوی بیانیه مشترک جلوگیری می شد. در خوزستان نظم ارسال نشریه کار دچار اختلال معین شده بود و ..... و بسیاری مواردی دیگر.

جالب است که بیک نکته از نامه همایون به هیأت سیاسی سازمان اشاره کنیم که مدعی بود تشکیلات دچار رکود گشته و فعالیت آن کاهش یافته است. واقعیت این است که علاوه بر تاثیر عوامل سیاسی در فعالیت بیرونی سازمان اختلال چندین ماهه سازمان یافته رفقا بویژه در آن بخشهای تشکیلاتی که این دوستان از نفوذی برخوردار بودند و یا عناصرشان در پست های سازمانی نسبتاً حساس قرار داشته اند تاثیرات معینی در کار انقلابی آن بخشهای سازمان بجای گذاشت. اینک آشکار شده است که تمامی تلاش این رفقا این بوده است که این بیماری را گسترش و تعمیم دهند و سازمان را به باشگاه بحث تبدیل نمایند.

خلیل ملکی و یاران او نیز در سال ۲۶ - ۲۵ در حزب توده ایران همین کار را کردند. بلوغ و انسجام اکثریت قاطع تشکیلات علیرغم کارشکنی ها و اختلال و تبلیغات مسموم این عده، علیرغم خیرسازهای، انتشار اخبار جعلی علیه رهبری و تلاش برای نشان دادن اعتراضات گسترده علیه سازمان "مطلع ساختن رفقای سازمان از گستردگی اعتراضات وسیعی که در سازمان وجود دارد" (نقل از بخشنامه به رفقا) نتوانست آنچه که این دوستان باصطلاح طرفدار کار پیگیر و مستمر انقلابی در سازمان می خواستند ایجاد نماید. در اینجا می توان به معنی واقعی این جمله از نامه همایون پی برد. "مگر نه اینکه وحدت جنبش کمونیستی ایران که آرزو و خواست دیرینه همه کمونیستهاست می بایستی با استقبال شورانگیز تمامی نیروهای کمونیست مواجه می شد و می بایست آنچنان شور انقلابی و شوق سازنده ای برپا می کرد که در پرتو آن مشکلات راه هموار و صعوبت راه آسان تر می گشت ولی اکنون در آن شرایط و در برابر این امر خطیر بر تشکیلات چه می گذرد. تشکیلات ما بیمار است و نشانه شفای این بیماری هم شاید چندان به مذاق شما خوش نیاید. انفعال، کرختی، تمکین، گیج سری، کم کاری، لیبرالیسم. رفقا آش به اندازه ای شور است که شما نیز اعتراف می کنید. سازمان هیچ وقت تا بدین حد منفعل و کرخت نبوده است. مگر نه اینکه وحدت برای شرکت همه جانبه و گسترده تر در پراتیک سیاسی و برای حضور هر چه فعالتر کمونیست ها در انقلاب خونبار میهن مان نیز هست؟ پس چرا این پروسه را به گونه ای پیش برده اید که هزاران هوادار پرشور و صادق را به انفعال بکشاند.

این تلاش برای جلوگیری از پیشرفت و گسترش فعالیت سازمانی تشکیلات بدین دلیل از سوی این دوستان ضروری می نمود که باصطلاح اثبات نمایند این رکود و خمود ثمره پیشرفت امر وحدت با حزب توده ایران است! آنچنان که سرپای نامه تلاش برای اثبات این مدعا صورت گرفته است. حال که وحدت درست خلاف این جهت به میوه می نشیند، باید خود دست بکار شویم تا نشان دهیم استدلال و پیش داوری مان درست بوده است. این است علت این برخورد رفقا با وظایف تشکیلات!

روز جمعه ۱۳ آذر ماه در هیأت تحریریه کار که رفقای سابقمان علی و همایون شرکت کرده بودند به دبیر بخش خود اعلام کردند که ما مطلبی را که تعهد کرده بودیم نخواهیم داد و وقتی علت پرسیده می شود رفقا مدعی

می‌شوند شما تعهدات را زیر پا گذاشته‌اید؟! اخراج و تعلیق کرده‌اید؟!!

دو تن از رفقای هیات سیاسی حاضر در جلسه برای رفقا توضیح می‌دهند که اخبار دریافت شده در این زمینه نادرست است و بعلاوه در صورت وجود تخلف رسیدگی و رفع خواهد شد. بعلاوه تاکید مجدد هیات سیاسی سازمان را در پیش گرفتن روش حل معقول اختلافات و ضرورت نگاشتن نامه بعنوان ضرورت سازمانی به رفقا یادآور شدند. رفقا حتی در آن جلسه نیز از نیات و نقشه‌های اصلی خود صحبتی بمیان نیاوردند و مسوولیت محوله در کار به خود را نیز پذیرفتند!! و بنا به تقاضا و تاکید رفقا هیات سیاسی برای شنبه شب ساعت ۶ بعد از ظهر قراری برای مذاکره با سه تن از رفقای هیات سیاسی سازمان گذاشته شد. رفقای مسوول از سوی هیات سیاسی، در محل قرار حاضر شدند. این رفقا در جلسه حضور نیافتند در عوض همان روزها خبر مربوط به یورش غارتگرانه در چند شهرستان به امکانات و اموال سازمان را دریافت کردیم (شوشتر - اهواز - تهران ...) خبر مخفی شدن عده‌ای از یاران اینان در تشکیلات و عدم حضور خود این رفقا در اجلاس روز شنبه شب نشانگر آغاز عملیات توطئه و عدم شرکت آنان در جلسه بمنظور تامین فرصت برای کامل شدن توطئه بود. تا این لحظه نیز هنوز رهبری سازمان از امکان پیش‌گیری از وقوع چنین حادثه‌ای قطع امید نکرده بود لذا ما برآن شدیم که بهر طریق ممکن این رفقا را پیدا کنیم. تلاش ساعت ۹ شب یکشنبه به نتیجه رسید و دوتن از رفقای ما جهت مذاکره با آنان بدون اطلاع قبلی به محلی که آنان در آنجا بودند رفتند و بدین شکل بر خلاف ادعای باصطلاح کمیسیون تشکیلات این دارودسته مذاکرات هفته ۶۰/۹/۱۴ الی ۶۰/۹/۱۸ آغاز شد.

از ۶۰/۹/۱۴ تا چهارشنبه ۶۰/۹/۱۸ و اعلام رسمی ترک سازمان تحت پوشش نام سازمان روز شنبه در شهرستان‌های تبریز، شیراز، اصفهان، خوزستان، شوشتر، اهواز، مشهد طبق برنامه‌ای از قبل سازمان یافته به آن بخش از امکانات سازمان که توطئه‌گران می‌شناختند یورش برده و حتی محل‌هایی که امکان غارت کامل اموال سازمان نبوده است در بعضی موارد به تخریب آن دست زده‌اند. جالب توجه است که قبل از روز شنبه در غالب موارد و بویژه در سطح نیروهای به اصطلاح مسوول‌تر با کسانی که در ارتباط با امکانی از امکانات سازمان قرار داشته‌اند به اصطلاح اصل "نقشه" را پیشه کرده بودند و منافقانه در لباس دفاع از خط رهبری سازمان برنامه‌ریزی توطئه را پیش برده‌اند. یکی از این عناصر که به امکانات سازمان در اصفهان دسترسی داشته و تا چند روز قبل در آخرین اجلاس با دیگر رفقای سازمانی از کمیته مرکزی سازمان دفاع می‌نموده است، پس از غارت اموال سازمان در پاسخ دلیل این نوع دروغ‌گویی بیش‌ترمانه به رفقای هم‌حوزه خود چنین توضیح می‌دهد علت حفظ امکانات بوده است! مواردی بسیار از این قبیل طبق رهنمود رهبری این توطئه وجود داشته است. همچنان که رهبران توطئه نیز با همین روند از نیت اصلی خود بهیچ عنوان سخنی به میان نیاورده‌اند و همواره خود را ضدفراکسیون، موافق حفظ دقیق پرنسیب‌های تشکیلاتی نشان می‌دادند. چنین روش‌های برخوردی در توجیه عدم پخش نشریه کار حاوی بیانیه مشترک یا عدم پخش بیانیه به بهانه اشکالات فنی و غیره در اصفهان و خوزستان و مشهد فراوان وجود داشته است. رهبران توطئه نیز برای اولین بار یکشنبه ۶۰/۹/۱۵ به رفقای رهبری سازمان اعلام داشتند ما قصد انشعاب داریم و بیانیه نیز درآورده‌ایم. قصد داشتیم آن را فوراً منتشر کنیم و با شما و حزب توده ایران برای تنظیم روابط آتی مذاکره نماییم! این برخورد رفقا در آغاز مذاکرات تحمیلی از جانب رهبری سازمان بود. فراموش نشود که آنها چند هفته قبل تعهد کرده بودند مقاله‌ای با مضمون مخالفت با حرکات غیرتشکیلاتی نوشته و این نوع حرکات را محکوم نمایند.

نمایندگان سازمان پس از توضیحات فراوان که تا پاسی از نیمه‌شب ادامه یافت کوشیدند آنها را قانع کنند که انتشار بیانیه خود را به تعویق انداخته و مذاکره را ادامه دهند. نمایندگان هیات سیاسی در این جلسه راجع به عواقب عمل آنان مشروحاً صحبت کردند. در این جلسه رفقا طرح نمودند شما که اساس حرکت خود را در سازمان بر مبنای پنهانکاری و توطئه بنا نهادید چگونه اگر اختلافی بین شما بروز نماید بیکدیگر اعتماد خواهید نمود و هر یک از شما این بیم را پیدا نمی‌کند که دیگری در حال توطئه بر علیه وی است. چگونه اعتماد رفیقانه میان کمونیست‌ها را در درون تشکیلات خود اعاده خواهید کرد.

آنها بهیچ عنوان پیشنهادات ما را مبنی بر عدم انتشار بیانیه و ادامه بحث تا پیدا کردن راه حل را نمی پذیرفتند. تشکیل پلنوم کمیته مرکزی برای بررسی موضوع را قبول نداشتند. (چند کلمه ناخوانا) از نمایندگان هیات سیاسی سازمان می‌خواستند فوراً تصمیمات پلنوم مرداد را لغو کرده و از آن انتقاد بکنند. تصمیمی که با مشورت کمیته‌های ایالتی و با تدارکات قبلی انجام شده است (یک کلمه ناخوانا) آنها این بود فوراً بجای کمیته مرکزی و کمیته‌های ایالتی و کمیسیون‌های مرکزی از خود انتقاد کنند. ما در مقابل پافشاری نمودیم، مشاوره، مذاکره، بحث با هر کس در سطح ایران و جهان که شما قبول دارید. رفقای مورد اعتماد شما در سازمان در حزب و... آنها در مقابل پافشاری ما برای مشورت با یاران خود جلسه بحث را ترک گفتند.

رهبری سازمان نیز تلاش کرد راه‌های مختلف را ارزیابی نماید. تلاش همه جانبه ما مبنی بر پیدا کردن راه حلی برای جلوگیری از انشقاق بود. در جلسه مشورتی کمیته مرکزی که صبح دوشنبه تشکیل گردید تصمیم گرفته شد که کلیه امکانات ممکن را برای جلوگیری از انشقاق و ماندن آنها در تشکیلات بکار گیریم و پیشنهادات آنها را مبنی بر عدم انتشار بیرونی مقام و موقعیت حزب و سازمان و برنامه حزب و در دستور بحث سازمانی قرار گرفتن مسائل فوق را پذیرفته و تصمیم‌گیری در مورد آنها را به کنگره سازمان محول نماییم و در کمیسیون تدارک‌کنگره نمایندگان آنها نیز عضویت داشته باشند. رفقا به نمایندگان ه. س اختیار دادند با عدم اجرای هر یک از تصمیمات پیشین و در دستور بحث سازمانی گذاشتن آن را مورد بحث قرار داده و در صورت امکان پذیرند ولی در دو زمینه نمایندگان ه. س مجاز به پذیرش پیشنهادات آنها نبودند.

اولاً: نمایندگان ه. س مجاز نبودند بهیچ‌وجه از مواضع مورد تایید کمیته مرکزی عدول کرده و اعتقادات خود را پس بگیرند.

ثانیاً: نباید بهیچ عنوان هر نوع پیشنهادی که بگونه‌ای رهبری سازمان را منحل کند می‌پذیرفتند.

در طی مذاکرات روز دوشنبه ۱۶ آذر نمایندگان ه. س پیشنهادات رفقای رهبری را بشرح زیر برای علی و همایون طرح نمودند.

۱- حزب توده ایران بمثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر در سطح جنبش اعلام شده و این امر در درون تشکیلات به بحث گذاشته شود.

۲- پذیرش برنامه حزب توده ایران اعلام نگردد و در درون سازمان به بحث گذاشته شود.

۳- اینکه مضمون وحدت سازمان و حزب پیوستن سازمان به حزب است اعلام نشود و در درون سازمان به بحث گذاشته شود.

۴- تصمیم‌گیری در مورد موضع‌گیری درباره مسائل فوق در سطح جنبش بر عهده کنگره سازمان باشد.

۵- کمیسیون تدارک‌کنگره با مشارکت رفقا تشکیل شود.

۶- رفقا به پست‌های سازمانی خود برگردند. بخاطر حرکات غیر تشکیلاتی اخیر کسی تنبیه نگردد و از این پس اساسنامه سازمان با قاطعیت ناظر بر فعالیت همه اعضا و کادرها خواهد بود.

۷- همه فعالین تشکیلات حق مطالعه نظرات رفقای رهبری سازمان را در زمینه‌های مورد بحث در کنگره خواهند داشت. آنها مطرح کردند که آیا پیشنهادات فوق بمعنی لغو پلنوم مردادماه و انتقاد از آن می‌باشد که ما پاسخ دادیم پیشنهادات فوق هیچ ارتباطی با پلنوم مردادماه ندارد اگر رفقا اصرار دارند برخی مسایل یا کلیه موارد تصمیم‌گیری شده در پلنوم مرداد اجرا نگردند و به بحث سازمانی گذارده شود آن موارد را به‌طور مشخص طرح نمایند تا در مورد آنها صحبت کنیم. ما به این دوستان توضیح دادیم که این پیشنهادات بمنظور جلوگیری از انشقاق و حل بحران سازمانی ارایه می‌شود و ما اعتقادات خود را در زمینه اسلوب مبارزه ایدئولوژیک به تشکیلات توضیح داده و خواهیم داد. ما اعتقاد به انحلال رهبری ایدئولوژیک سازمان نداریم. ما بمصوبات پلنوم مرداد اعتقاد داریم و نمی‌توانیم از اعتقادات خود انتقاد کنیم در عین حال پیشنهادات فوق نفی پلنوم مرداد نیست ولی ما حاضر به بحث در مورد عدم اجرای تک تک تصمیمات پلنوم مرداد نیز هستیم. ولی مدعیان پرنسیب و دموکراسی از ما می‌خواستند که پلنوم مرداد را لغو کرده و از آن انتقاد کنیم و در برابر سوال ما که شما می‌خواهید ما چه چیز پلنوم مرداد را لغو کنیم اتحاد عمل را یا مشاوره با حزب توده را آنها جواب می‌دادند خود پلنوم مرداد را. بینش حاکم بر آن را . آنها از ما می‌خواستند به تشکیلات سازمان به دروغ اعلام کنیم به آنچه که بدان اعتقاد داریم اعتقاد نداریم و با طرح این خواست غیر منطقی

امکان ادامه مذاکره را ناممکن سازند.

لازم به ذکر است که رفیق کیانوری طی نامه‌ای از آنها خواسته بود که قبل از اجرای این تصمیم خطرناک با وی نیز مشاوره نمایند و با اصرار رفقای هیأت سیاسی آنها پذیرفتند که با رفیق نیز صحبت کنند. رفیق کیانوری نیز راجع به عواقب این عمل، راجع به کم اطلاعی و در مواردی بی‌اطلاعی آنها از جنبش جهانی کمونیستی، راجع به تجربیات حزب توده ایران و سایر احزاب در زمینه حل اختلافات درون حزبی، راجع به تجربه انشعاب‌های درون جنبش کمونیستی ایران و سایر کشورها با آنها صحبت کرده و از آنها خواست اجرای تصمیم خود را بتاخیر انداخته و چند جلسه صحبت با وی را ادامه دهند و برای روز پنج‌شنبه ۶۰/۹/۱۹ قراری با آنها برای ادامه صحبت‌ها گذاشت که با پخش بیانیه توطئه‌گران در روز چهارشنبه، قرار پنجشنبه طبیعتاً منتفی شد.

برخلاف گفته آنها که بیانیه چاپ نشده و پخش نخواهد شد روز دوشنبه بیانیه چاپ شده و روز سه‌شنبه اخباری حاکی از پخش وسیع آن در تشکیلات دریافت شد. ولی رفقا ادعا می‌کردند بیانیه پخش نخواهد شد. روز سه‌شنبه مذاکره ادامه یافت. آنها بر لغو پلنوم مرداد و انتقاد از آن پافشاری می‌کردند. نمایندگان سازمان بند بند پلنوم مرداد را خوانده و از آنها می‌خواستند بگویند کجایش را اجرا نکنیم و لغو نماییم که آنها براین خواست مسخره که بینش آنها لغو نموده و از آن انتقاد کنید را طرح می‌نمودند. نمایندگان هیأت سیاسی از آنها می‌خواستند که خواستی منطقی مبنی بر لغو تصمیمات اجرایی طرح نمایند تا امکان فراهم گردد که یکدیگر را قانع نماییم و بینش خود را تغییر دهیم وگرنه بینش که با زور انشعاب تغییر نمی‌کند.

شب سه‌شنبه یکی از رفقای نماینده سازمان در اجلاس ۷ نفر از رهبران توطئه (علی، همایون، پرهام و ...) شرکت و مواضع سازمان را توضیح داده و پیشنهادات فوق را تکرار نموده و عواقب این عمل آنها را توضیح داد. این مذاکره نیز تا نیمه‌های شب ادامه یافت. رفیق نماینده سازمان از آنها خواست که حتی اگر تصمیم قاطع به جدایی دارند آنها چند روز به تعویق اندازند، جلسه دیگری با شرکت رفقای رهبری آنها و نمایندگان سازمان تشکیل گردد.

ولی تمامی تلاش‌های مسوولانه سازمان متأسفانه از طرف توطئه‌گران مورد استقبال قرار نگرفته و صبح چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح رفقا تلفنی خاتمه مذاکرات و دستور رسمی پخش بیانیه را بما اطلاع دادند.

در پایان برخی توضیحات بویژه در ارتباط با اسلوب برخورد با رهبری سازمان و علل شتاب آنان در ترک سازمان می‌تواند در شناخت توطئه‌گران مفید واقع شود. مقدمتاً قابل تذکر است که با توجه به تمامی شواهد و دلایل موجود حداقل بعد از پلنوم مرداد طراحان توطئه را تا پایان چیده‌اند و سعی کردند در ضمن پیشبرد یارگیری در تشکیلات و جمع‌آوری تمامی عناصر ناراضی همانطوری که در بخشنامه‌شان نیز منعکس است بگونه‌ای در ارتباط با رفقای سازمانی و رهبری سازمانی برخورد نمایند و حرکت بگونه‌ای باشد که برای رفقای سازمانی قضیه روشن نگردد. علی و همایون نیز در برخورد با رفقای رهبری جهت سوءاستفاده از اعتماد رفقا همین اسلوب را در پیش گرفتند. اینان که پس از شکست نسبتاً قطعی در پلنوم مرداد که از متقاعد کردن نیروهای رهبری سازمان کمیته مرکزی، مشاورین کمیته‌های ایالتی و کمیسیون‌های مرکزی هم‌مطراز به نظریات عقب مانده خود و در واقع جلوگیری از گسترش رابطه حزب و سازمان نومید شدند، دیگر حاضر نبودند ادامه بحث در سطح رهبری یا حتی مبارزه ایدئولوژیک در سطح تشکیلات رهبری را بپذیرند و توطئه را پیشه خود کردند. آنها که تلاش رهبری سازمان را، علیرغم ضعف و خطاها (که آنان حتی یک مورد تلاش برای اصلاح آن نکرده‌اند و همواره کوشیدند آنها را بزرگ جلوه دهند) برای سازماندهی مباحث در سطح رهبری و سپس انتقال آن به تشکیلات مشاهده می‌کردند. آنان پس از اینکه مشاهده کردند رفقای رهبری پس از آگاه شدن به وجود چنین پدیده‌ای با فعالیت دوجندان بکار توضیحی پرداختند، وقتی متوجه برنامه‌ریزی رهبری برای ارسال نوار و پوشه، نظریات رهبری و حتی بقول خودشان خطر اعلام مواضع! و اطلاع عموم از آن شدند دیگر فریب دیگران را ناممکن دیدند و این را نیز خوب درک می‌کردند که ممکن است در صورت توطئه نکردن و فریب ندادن یاران انتخاب شده، نا آگاهان براه درست هدایت شوند و توطئه‌گران افشا گردند. جالب است که آنها پس از شکست توطئه‌شان از پخش شایعات اغراق‌آمیز کوشیدند برای فریب نیروهای آگاه بهره‌گیری نمایند. آنها کوشیدند وانمود کنند برخی کمیته‌های ایالتی و سازمانهای ایالتی از آنها طرفداری می‌کنند که کذب این شایعات غیرواقعی نیز بسرعت برای رفقای سازمان روشن گردید.

آنها بر اساس اسلوب پیشین خود کماکان تلاش دارند و انمود کنند که بخش قابل توجه یا عمده‌ای از نیروهای سازمان را با خود دارند. توطئه‌گران مانند تمامی اسلاف خود در هر کجا که چند نفر از مسوولین یا اعضاء و یا حتی هواداران ناراضی وجود داشتند، به نام کمیته ایالتی و کمیته ... اعلام کرده‌اند. آنها برای بزرگ جلوه دادن ابعاد توطئه و نیروی هواداران به دروغ‌پردازی در این زمینه ادامه می‌دهند.

خوشبختانه علیرغم فریبکاری‌های توطئه‌گران و آگاهی و بلوغ و دانش قابل توجه طیف وسیع نیروهای سازمان کوشش توطئه‌گران را برای شکستن سازمان عقیم گذاشت. سازمان ما همچنان پیگیر و بی‌تزلزل در راه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در راه جانبازی و در دفاع از انقلاب و کوشش مستمر برای تامین وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر خواهد رزمید و چهره واقعی مطرودین از سازمان در آینده‌ای نه چندان دور افشا و نیروهای صادق آن بار دیگر در سنگر خود به مبارزه خواهد پرداخت. این گزارش یکی از اقدامات وسیعی است که در راه آگاهی دادن به نیروهای صادق که مرتکب اشتباه شدند و در افشای مطرودین به رفقا تقدیم می‌شود. در پایان به ضمیمه این نامه، نامه رفقای سابق همایون و علی را به رفقا خسرو و صادق و پاسخ رفیق صادق جهت اطلاع و مطالعه رفقا ارسال می‌گردد.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان  
۱۳۶۰/۱۰/۷

---

نامه ای که روز ۲۳ آذر برای من و خسرو نوشته بودید دیروز ۲۴ آذر به دستم رسید.

۱- شما اطلاع کامل و دقیق دارید که از روز یکشنبه عصر یعنی زمانی که شما برای نخستین بار ما را از تصمیمتان به جدایی مطلع کردید من و سایر رفقای مذاکره کننده: امیر و خسرو به شما پیشنهاد کردیم و روی پیشنهاد خود اصرار بسیار کردیم و حتی رفیقانه از شما تقاضا کردیم که قبل از اینکه این تصمیم را به اجرا گذارید، حتماً با تمام رفقای کمیته مرکزی سازمان مشورت کنید. بگذارید آنها یک به یک به شما بگویند اگر جدا شوید که آینده کارتان چیست. ما مصرانه به شما توصیه کردیم که قبل از جدایی حتماً ترتیبی بدهید که با رفقای کمیته های ایالتی درباره تصمیمتان مشورت کنید. ما به شما مصرانه توصیه کردیم قبل از اینکه جدا شوید با رفقای رهبری حزب توده ایران درباره تصمیمتان مشورت کنید ما به شما اصرار کردیم که قبل از اینکه تصمیم خود را به اجرا بگذارید، حتماً از نظر و تجربه رفقایمان در دیگر احزاب برادر در مورد اینگونه تصمیم گیری هایتان مطلع شوید. ما به شما اصرار بسیار کردیم که بکوشید رفقای کمیته مرکزی، کمیته های ایالتی و دیگر رفقای تشکیلات را به درستی کاری که می خواهید بکنید، معتقد سازید. لاف دلایل خود را پیرامون این اصل اساسی که چرا جدایی از سازمان به سود جنبش طبقه کارگر، جنبش انقلابی خلق است را برای آنها توضیح دهید که آنها هم بدانند چه تصمیمی درست است و نظرات و برداشت های خود را برای شما توضیح دهند. ما عمیقاً درک می کردیم که شما بسیار بسیار عجولانه تصمیم بسیار خطرناکی گرفته اید. شما می دانید که نه من و نه دیگر رفقای کمیته مرکزی و هیچ یک از رفقای کمیته ایالتی نه تنها تا عصر روز یکشنبه ۱۴ آذر اصلاً هیچ اطلاعی از تصمیم عاجل شما به جدایی از سازمان مطلع نبوده ایم، بلکه همه ما تا روز قبل از آن فکر می کردیم که شما دارید می کوشید که راههای مناسب خل اختلاف با سایر رفقا را بیابید.

واقعیت این بود که من تا عصر روز یکشنبه ۱۴ آذرماه نه تنها کوچکترین اطلاعی از زمینه چینی های پنهانی شما نداشتم من تا آن روز بر مبنای حرفهایی که به خودم زده بودید فکر می کردم که شما می فهمید کار کسانی که از سازمان جدا می شوند، به کجا می کشد و چون از این آینده به خوبی مطلعید، از سازمان جدا نمی شوید. (این ارزیابی خطا بود. زیرا علی کشتگر با آگاهی کامل از اینکه عاقبت کار جدایی وی به کجا می کشد از سازمان جدا شد. من در مورد همایون هنوز چنین اعتقادی ندارم. بهمین دلیل وقتی شما ما را از تصمیم خود به جدایی در جلسه عصر روز ۱۴ آذر مطلع ساختید، مقدمترین و مبرمترین وظیفه ما این بود که بکوشیم که شما رفقای سابق ما عجولانه تصمیم غلط نگیرید. تصمیمی که خوب می دانستیم و می دانیم که سرنوشت تلخی برای شما بیار می آورد. من شخصاً احساس می کردم که بویژه همایون از دست رفقا بسیار عصبانی است و پیم نارنجک دستی خود را کشیده و دارد خود را متلاشی می کند. شما بخوبی می دانید که من و رفقا کوشیدیم با تصویر کردن این صحنه برای شما، شما را به تامل بیشتر، به تعمق بیشتر در تصمیمتان که به نظر ما خود کشی محض، انحلال طلبی محض، می رسید وادار سازیم. متأسفانه شما و بویژه علی یک سر سوزن هم باور نکردید که این دلسوزی ما به علت نگرانی های فوق العاده ایست که با تمام وجود در مورد سرنوشت شما در دل داریم. با کمال تأسف شما بیشتر خبرهای سراپا دروغ و حتی کاملاً مشکوکی را باور می کردید که از دور و بر به گوشتان می رسید. متأسفانه شما و کسانی که شما را تشویق می کردند عمیقاً دچار این روحیه بودند که هر روز بیشتر صبر کنند، هرچه بیشتر فکر کنند بیشتر "ضرر" می کنید. شما باید در مورد این بی اعتمادی های تأسف انگیز به رفقایمان، در مورد ریشه های شکل گیری آن در وجودتان بیشتر و خیلی بیشتر فکر کنید. شما اگر واقعاً بخواهید خود را تحلیل کنید، باید به این فکر کنید که چرا هیچ یک از رفقای رهبری سازمان را از تصمیم خود مطلع نکردید. شما باید خیلی به این موضوع فکر کنید که چه چیزی در وجود شما ریشه دوانیده که فکر کردید باید پیش دستی کنید. در حالیکه واقعاً رهبری سازمان اصلاً نه تنها به فکر پیش دستی نبوده است، بلکه اصلاً از هیچ یک از نقشه هایی هم که شما در سر داشتید مطلع



نبود. مطلع نبود به این علت شما فکر می کردید که اگر مطلع شوند با شما همان برخوردی را می کنند که شما می خواهید با سازمان بکنید. این افکاری که در سر شما گذشته است، بسیار غم انگیز است. واقعاً غم انگیز است که شما درک نکردید که رهبری سازمان نه تنها قصد اخراج و لگد مال کردن شما را نداشته است، بلکه تمام تلاش خود را بکار برد که از شما نیروی وحدت سازمان بسازد. شما را حفظ کند، شما را یاری دهد که همه با هم بر مشکلات بسیار بزرگی که پیش روی سازمان است، فائق آئیم. لکن متناسفانه شما تصویر دیگری از سازمان در ذهن داشتید. نامه همایون که قبلاً به هیات سیاسی نوشته بود روحیه ای را تصویر می کرد که بسیار غم انگیز بود. او در فکر خود سازمانی را ساخته بود که همه عناصر آن دارند علیه یک دیگر نقشه می کشند و توطئه می کنند. آیا سازمان ما واقعاً در چنین فضایی است؟ من و رفقا خسرو و رحیم در ملاقاتی که روز ۲۹ آبان با همایون داشتیم به او گفتیم که این بی اعتمادی او به رفقایش بسیار خطرناک است. ما به همایون گفتیم که کسی که این گونه فکر می کند، کارش به کارهای پنهانی، به توطئه گری علیه رفقایش کشیده می شود. ما به او گفتیم و بارها سعی کردیم به او بفهمانیم که راه غم انگیزی را که او پیش گرفته است به حساب سازمان ننویسد. در سازمان واقعاً چنین خبرهایی نبود. فعالیت پنهانی رفقا علیه یک دیگر، چنانکه بعدها مشخص شد منحصر بود به فعالیت شبکه ای که شما ساخته بودید. ما همان روز به همایون بسیار تاکید کردیم که می بایست به رفقایش که واقعاً شایسته اعتمادی کاملاً خدشه ناپذیرند، اعتماد کند. ما تمام تلاش خود را بکار بردیم که رفیق همایون متوجه شود که در سازمان ما هیچکس نه برای اخراج او نه برای اخراج علی و نه برای اخراج هیچ کس نقشه نمی کشد و توطئه نمی کند. ما سعی زیادی کردیم همایون را متوجه کنیم که تصمیمات سازمانی فقط در مورد کسانی اعمال خواهد شد که تصمیمات سازمانی را اجرا نکنند. و اراده واحد سازمان را بشکنند.

متناسفانه شما و همفکرانتان چه به علت عمق بی اعتمادی های کج بینانه ای که داشتید، و چه، صریح بگویم به علت کارکرد دست هایی که ما کاملاً مسئولانه در جستجوی سرخ آنها هستیم، نخواستید و یا نتوانستید خود را قانع کنید که پیش از ۴۸ ساعت به ما فرصت بدهید که با هم مشورت کنیم و جوانب کاری را که به سرنوشت و آینده و تمام زندگی شما و دوستانتان باز می گردد، بسنجید. به نظر من شما اشتباه بسیار بسیار بزرگی مرتکب شده اید که فکر کردید کمیته مرکزی سازمان قصد دارد شما را اخراج کند. شما اشتباه بسیار بسیار بزرگی مرتکب شده اید که قبل از جدایی حاضر نشدید صبورانه و در فرصتی پیش از دو روز تصمیمتان و نظرتان و آینده تان را با دیگر رفقایتان در سازمانمان در میان نهید و نظر آنها را راجع به پی آمدهای کاری که می کنید جویا شوید. به نظر من شما خطای بسیار مهلکی مرتکب شدید که متوجه نشدید تصمیم گیری مسئولانه پیرامون مساله ای به این مهمی می طلبد که با رفقای توده ای و یا هر امکان دیگری که می شناسید، مشورت کنید. من فکر می کنم آمیزش ضعف ها و توهمات کاملاً ذهنی شما همراه با تحریکات دست هایی که دیگر بجزات می گویم مشکوکند، موجب شده است قبل از اینکه شما بحد کافی و صبورانه با دیگران مشورت کنید، آن بیانیه را به مثابه خنجر زهرآلود تماماً به قلب خود فرو کنید.

۲- شما اطلاع کاملاً دقیق و روشن دارید که روز یکشنبه ۱۴ آذر من و دیگر رفقای مذاکره کننده با شما (خسرو و امیر) مضمون اصلی پیشنهادهایی را که در قطعنامه ۷ ماده ای ۱۸ آذر کمیته مرکزی سازمان آمده است، با شما در میان نهادیم. شما اطلاع دقیق دارید که دوشنبه ۱۵ آذر در دومین جلسه ای که داشتیم، بار دیگر مضمون همان پیشنهادات را برای شما طرح کردیم و از شما خواستیم که آنها را بپذیرید. شما بخوبی اطلاع دارید که به درخواست خود شما روز سه شنبه عصر ۱۶ آذر یک بار دیگر مضمون پیشنهادهای کمیته مرکزی سازمان را به اطلاع شما رساندیم و گفتیم که صبح همان روز رفقا در جلسه مشورتی کمیته مرکزی شرکت کرده و به پیشنهادات مزبور به اتفاق آراء رای تمایل داده اند که در صورت موافقت شما بالاتفاق پلنوم کمیته مرکزی را فراخوانیم تا بر اساس این پیشنهادات قطعنامه ای صادر و به اجرا بگذارد.

شما دقیقاً متوجه هستید که پس از شنیدن دقیق متن پیشنهادات، همان پیشنهادهایی که اساس آن از لحظه ای که از جانت ما مطرح شد تا امروز کوچکترین تغییری نکرده است - گفته اید که از نظر شما معنای پذیرش این پیشنهادات چیزی نیست جز لغو تصمیمات پلنوم مرداد و از ما خواستید که به تشکیلات همین معنا را توضیح دهیم و بگوییم معنای توافقی که صورت گرفته لغو تصمیمات پلنوم مرداد بوده است. ما با شکیبایی برای شما توضیح دادیم و مکرر در مکرر هم توضیح دادیم که به اعتقاد ما پذیرش این پیشنهادات کوچکترین مغایرتی با تصمیمات پلنوم مرداد ندارد و اینکه شما می گوید پذیرش پیشنهادات ۷ ماده ای به معنای نقض تصمیمات پلنوم مرداد است، دارای کوچکترین پشتوانه منطقی نیست. من تاکید داشتم که هیچ آدم عاقلی نمی تواند بفهمد که چرا پذیرش پیشنهادات کمیته مرکزی ناقض تصمیمات پلنوم مرداد است که مضمون اصلی آن یک رشته وظایف عملی بصورت مشاوره و همکاری و اتحاد عمل است که برای وحدت ناگزیر به انجام آن هستیم و شما هم می گوید که آنها را تماماً قبول دارید و با آن هیچ مخالفتی ندارید. بعلاوه شما کاملاً بیاد دارید که در همان جلسه من تصریح کردم که چنانچه بعدها قانع شدیم که پذیرش پیشنهادات ۷ ماده ای به معنای نقض تصمیمات پلنوم مرداد است، هیچ ابایی از اعلام آن نخواهیم داشت. ما تاکید کردیم که حتی آماده ایم تا آنجا که شما آماده باشید، روی این مساله که آیا پذیرش پیشنهادهای ۷ ماده ای به معنای لغو یا ابرام تصمیمات پلنوم مرداد است یا شما بحث های فراوان داشته باشیم و نتیجه آن را هم به سایر رفقا اعلام کنیم. شما بخوبی بیاد دارید زمانی که مذاکرات به اینجا رسید (ساعت ۶/۵ بعد از ظهر سه شنبه ۱۶ آذرماه) رفیق همایون از ما برای اجرای این تصمیمات تضمین خواست و من به او گفتم اولاً شما می توانید پیم نازجکتان را دوباره بکشید. ثانیاً رفیق خسرو توجه شما را به این مساله بسیار مهم جلب کرد که تشکیلات اساساً بر پایه اعتماد استوار است کسی که تعهد خود را نقض می کند خود را (کلمه ناخوانا) می کند در صورتیکه شما تعهد خود را نقض کنید چنانچه نتوانید در برابر رفقا از عهده توضیح علت آن برآید، مسلم بدانید که که شکست می خورید.

ما تاکید داشتیم تضمین ما همان عهده ای است که همه رفقای ما با یکدیگر بسته اند. هیچ چیزی فراتر از آن نیست. شما بخوبی بیاد دارید که به دنبال این سخنان رفیق همایون ۱۰ دقیقه انتراکت خواست و با علی بطور خصوصی مشورت کرد که استدلال ما را بپذیرند یا نه. احساس قلبی من و دیگر رفقای حاضر در جلسه این بوده و هست که همایون منطقاً می پذیرفت که پیشنهادات با همان شیوه ای که طرح شد به تصویب برسد و به اجرا گذاشته شود و علی به چنین چیزی اصلاً پایبند نبود. شما در این جلسه بعد از مشورت خصوصی به ما اطلاع دادید که باید با سایر همفکران خود در باره پیشنهادات مشورت کنید و روز بعد چهارشنبه ۱۸ آذر پاسخ قطعی بدهید. بعد از این جلسه یک بار دیگر در همان شب رفیق خسرو شما را ملاقات کرده و طی یک مذاکره طولانی که تا ۳ بامداد بطول انجامید، روی همین پیشنهادات با شما بحث کرده است. من و رفیق امیر بار دیگر روز چهارشنبه ۱۸ آذرماه ساعت ۱۱/۵ ظهر از طریق پرهام سعی کردیم با شما تماس بگیریم و جواب پیشنهادات را بگیریم که متأسفانه موفق نشدیم و بالاخره شما خیلی خوب متوجه هستید که ابتدا همایون در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر روز چهارشنبه و سپس علی یک ربع بعد از آن با رفیق امیر تلفنی صحبت داشته اند و گفته اند پیشنهادات کمیته مرکزی را نمی پذیرند و چون کمیته مرکزی حاضر نشده است تصمیمات مرداد را ملغی اعلام کند، مذاکره را قطع و بیانیه را پخش می کنید و این در حالی بوده است که رفیق امیر یک بار دیگر با احساس مسئولیت شما را دعوت به پذیرش پیشنهادهای ما یا ادامه مذاکره کرده است ولی شما هیچ یک از دو راه را نپذیرفتید و در کمال شتابزدگی، بدون اندکی تأمل و کاملاً مایوسانه جدا شدید. من شخصاً از این تصمیم شما بسیار بسیار متأسفم. رفقای رهبری سازمان نیز همگی چنین احساسی دارند. ما همگی می دانستیم و می دانیم که شما نه پیشنهادهایی را که خود عنوان می کردید، نپذیرفتید نه حاضر به ادامه مذاکره شدید. و این شیوه عمل واقعاً غم انگیز و دردناک است.

من متوجه بودم که یک فکر در میان شما طرفدار این است که مذاکره تا چهارشنبه ادامه یابد

که موضع گیری در مورد عمل شما در نشریه کار هفته گذشته درج نشود، غافل از اینکه نظر همه رفقای کمیته مرکزی این بود که قطع نظر از این که شما چه تصمیمی بگیرید، حتی اگر شما **(کلمه ناخوانا)** پخش کردید، ما نباید در هفته اول علیه آن موضع گیری کنیم و این مساله در پلنوم کمیته مرکزی نیز به اتفاق آراء به تصویب رسیده بود. شما باید درباره علل درونی و بیرونی توهماتى که به آن مبتلا بوده اید، مسئولانه فکر کنید. من اکیداً مروری بر آنچه گذشته است را از این زاویه باز هم به شما توصیه می کنم.

رفقای نیمه راه همایون! علی!

هنوز هم دیر نشده است. ما زبان بزرگی دیده ایم. اما گام بعدی شما بسوی دوری از سازمان زیانهای باز هم بیشتری برای شما و برای مجموعه جنبش ما به بار می آورد. مطمئن باشید که دامن زدن به کینه و دشمنی هرگز راه رسیدن به وحدت نیست. مطمئن باشید که رفقای کمیته مرکزی سازمان، اگر شما در عزم خود در کمک گرفتن از دشمنان طبقه کارگر تجدید نظر کنید و اگر شما براهی نروید که بابک زهرایی ها و دیگر تفاله های امریکا می خواهند، تمام مسایل ما حل می شود و آرزوهای سترون گشته ای که برای ساختن فردایی پرشکوه دارید، قطعاً بارور خواهد شد. برگردید. بگذارید دست یکدیگر را بگیریم. دست در دست بابک زهرایی ها نگذارید. آنها دوست توهمات شما نیستند. آنها دوست این اعمال شما هستند. آنها فقط در این راهی که میروید، با شما همراهند.

همه رفقای رهبری، یکایک اعضای سازمان همراه با تمام کسانی که صادقانه به آزادی خلقمان فکر می کنند، بسیار غمگین خواهند بود اگر شما این فرصت کوتاه را از دست بدهید. آروزی همه ما این است که شما را در سازمانی بیاییم که قادر باشد همه اشتباهات، ضعف ها، و همه بیماریهای فکری ما را درمان کند. یقین داشته باشید که چنین سازمانی تنها از وحدت حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پدید می آید. یک بار دیگر از شما می خواهم که رزمنده راستین این راه باشید.

فرخ نگهدار - ۱۳۶۰/۹/۲۵

رفقای گرامی :

شما خود بهتر از هر کس دیگر میدانید که اختلافات ما عمدتاً عرصهٔ ایدئولوژیک سیاسی را در بر میگیرد. شما میدانید که پرنسیپها و موازین لنینی تشکیلات نیز بویژه از دورهٔ تصویب قطعنامهٔ پلنوم مرداد تا به امروز، به خاطر پیشبرد خط مشی انحلال سازمان در حزب توده ایران زیرپا گذاشته شده است.

رفقا :

همانطور که در بیانیهٔ ۱۶ آذر آمده است اختلافات ایدئولوژیک سیاسی ما عمدتاً به قرار زیر است:  
۱- شما حزب توده ایران را حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر ایران میدانید و هدف از وحدت را ادغام سازمان در حزب تودهٔ ایران میدانید و در این راه مبارزه میکنید در حالیکه ما برخلاف شما اعتقاد داریم که حزب تودهٔ ایران فاقد مهمترین مشخصات حزب طراز نوین طبقه کارگر است و از همین رو هدف از وحدت را تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران از طریق مبارزه علیه انحرافات ریشه دار جنبش کمونیستی ایران میدانیم.

۲- شما برنامهٔ حزب توده ایران را مدتهاست پذیرفته‌اید و از مرداد ماه تا کنون به اجرا گذاشته‌اید، در حالیکه ما به برنامه حزب تودهٔ ایران همانگونه که در بیانیه اشاره کرده ایم انتقادات جدی داریم.  
۳- شما سازمان را فاقد صلاحیت نقد پراتیک گذشته حزب تودهٔ ایران میدانید و حال آنکه ما اعتقاد داریم بدون نقد پراتیک گذشتهٔ حزب توده ایران و سازمان نمیتوان ریشه‌های انحرافات که موجب انزوای حزب تودهٔ ایران و تضعیف و پراکندگی جنبش کمونیستی بوده است باز شناخت. بعلاوه ما اعتقاد داریم که سازمان ما صلاحیت بررسی انتقادی در هر عرصه‌ای از جمله گذشتهٔ حزب توده ایران را دارد.

۴- رفقای گرامی درست به دلیل بینش انحلال طلبانه بود که تمامی پرنسیپها و موازین لنینی تشکیلات زیر پا گذاشته شد و تلاش گسترده‌ای به عمل آمد تا با حذف ارادهٔ آگاه تشکیلات امر ادغام سازمان در حزب تودهٔ ایران به پیش برده شود. به دلیل همهٔ این مواردی که بر شمرديم پیشنهادات ما رد شد و بیانیه انتشار بیرونی یافت. با اینهمه به قرار اطلاع به رفقای هم نظر شما رهنمود داده شده است که از بحث بر سر اختلافات ایدئولوژیک سیاسی پرهیز کنند و حتی الامکان به مسائل دیگری بکشانند تا توجه اذهان از از مفاد بیانیه ۱۶ آذر منحرف گردد. بعلاوه و در ادامهٔ همین روش گویا اطلاعیه‌ای صادر شده است که در آن ادعا شده برخی از نظرات ما را پذیرفته‌اید، در حالیکه شما که بعنوان نمایندگان رفقای مدافع انحلال سازمان در مذاکرات شرکت داشتید بخوبی میدانید که در آن مذاکرات نسبتاً طولانی، آخرین پیشنهادات تعدیل شدهٔ ما نیز که ضامن حل اصولی اختلافات ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی موجود بود رد شد. ما، خلاصهٔ مذاکرات و هدف‌های متفاوت شما و ما را از مذاکرات و چگونگی رد حداقلی پیشنهاداتمان را طی نوشته‌ای به درون تشکیلات فرستاده ایم. ما در آنجا

توضیح داده ایم که این مذاکرات نیز عرصه ای از مبارزه میان بینش انحلال طلب و بینش اصولی بود. ما در آن نوشته توضیح داده ایم که رفقا تلاش دارند از مبارزه در عرصه واقعی آن یعنی در عرصه ایدئولوژیک سیاسی اجتناب کنند، همانگونه که در ده ماهه گذشته کرده اند. تمامی تبلیغات، شایعات، مسخ کردن ها، تحریف کردن ها، برخوردهای زننده ای که تکرار آن ملال آور است جملگی ادامه همان روش های گذشته است و خبر از آن میدهد که بینش انحلال طلبانه، از آنجا که در عرصه ایدئولوژیک سیاسی حرفی برای گفتن ندارد، تلاش میکند مبارزه ایدئولوژیک را به جنگ روانی بدل سازد. و در چنین بستری خود را از شکست برهاند. اما رفقا ادامه چنین روش‌هایی همانگونه که در ده ماهه گذشته دیده‌ایم ضربات جدی به جنبش کمونیستی و جنبش خلق وارد میسازد. رفقا چنین برخوردهائی مانع جدی حل اصولی اختلافات ایدئولوژیک سیاسی میگردد. از همین روست که ما رفیقانه از شما و سایر رفقا می‌خواهیم تا طی رهنمودی صریح و روشن از همه رفقای مدافع نظراتتان بخواهید که تبلیغات مسموم، توسل به شایعات، تحریف کردن ها و مسخ کردن ها و از این قبیل کوشش ها که گویا مطابق برخی دستورات در روزهای اخیر شدت باز هم بیشتری به خود گرفته است متوقف گردد. ضمناً برای آنکه اعضاء و فعالان تشکیلات بهتر و آگاهانه‌تر بتوانند از مضمون قطعنامه ۱۸ آذر رفقای مدافع انحلال سازمان اطلاع حاصل نمایند، ما عین همین نامه را به تشکیلات می‌فرستیم و از شما و سایر رفقا می‌خواهیم تا به طور صریح و کتبا نظرات خود را روی پیشنهادات زیر که ما در مذاکرات، پذیرش آن را بعنوان شرط حل اختلافات ایدئولوژیک دانسته بودیم و هنوز نیز همه ما قاطعانه بر آن هستیم اعلام نمائید:

۱ - اعلام گردد که تصمیم گیری روی خط مشی وحدت در پلنوم مرداد ماه سلب حقوق تشکیلات و اراده آگاه آن بوده است و ما این اقدام را به مثابه نادیده گرفتن اصول و موازین تشکیلات که حل اصولی اختلافات ایدئولوژیک سیاسی را به بن بست کشانده است، مورد انتقاد قرار می‌دهیم.

۲- کنگره به مثابه اراده آگاه تشکیلات زمانی بطور واقعی میتواند تشکیل گردد که نظرات مربوط به برنامه، مقام و موقعیت سازمان و حزب توده ایران و امر خط مشی وحدت در سطح اعضاء تعمیق رود تا اعضاء سازمان بتوانند آگاهانه مدافعان نظرات خویش را بشناسند و برای شرکت در کنگره انتخاب کنند. چنین کنگره ای با توجه به کژآموزی ها و تحریف نظرات طولانی و گسترده در سازمان، به یک دوره تدارک ایدئولوژیک نیاز دارد و به دلیل اهمیت بسیار زیاد تصمیمات متخذه در آن باید وسیعترین کنگره ممکن باشد.

(همایون - علی)

۶۰/۹/۲۳

۱- اعتراضات عمدتاً میتوانند به اشکال زیر ابراز شوند:

۱- طرح انتقادات در حوزه‌ها

۲- تسلیم کتبی اعتراضات به مسئولان سازمانی بگونه‌ای که رفقای سازمانی مرتبط با رفیق اعتراض کننده از آن باخبر شوند. این اعتراضات بسته به وضعیت مشخص کمیته‌ها و حوزه‌ها و تأثیرات احتمالی آن و بسته به صلاحدید خود رفقای ما در کمیته‌ها و حوزه‌ها میتوانند به صورت فردی، چند تائی و یا دسته‌جمعی باشد. هماهنگی رفقای ما با رفقانی که گرچه با ما هنوز هم نظر نیستند اما به این شیوه‌ها اعتراض دارند و در صورت امکان تنظیم و ارائه اعتراضات واحد با این رفقا بی تردید در پیش برد نظرات اصولی بسیار پراهمیت است.

۳- عدم پخش و توزیع بیانیه مشترک و سرپیچی از اجرای دستورات در رابطه با توزیع بیانیه. در حال حاضر اعتراض نوع سوم فقط در مناطق و حوزه‌هایی که رفقا مطمئن شده باشند و یا تقریباً مطمئن شده باشند که این شیوه‌های اعتراضی بر سایر رفقای تأثیر مثبت بر جای میگذارد و در پیشبرد خط اصولی تأثیر مطلوب دارد، مناسب است.

۴- بسته به شرایط مشخص ممکن است اشکال اعتراضی دیگری نیز که به تشخیص رفقا موثر ارزیابی میشوند بکار گرفته شوند.

ما باید در تمامی جنبه‌های پندار، گفتار و کردارمان نمونه‌های زنده و برجسته خلاقیت، هوشیاری، شور و نشاط توأم با متانت و اخلاق پسندیده کمونیستی باشیم. صداقت در برخورد، احتراز از برخوردهای فردی و خصلتی، احتراز از توهین و پرخاش به رفقای مخالف نظرات ما، بویژه رعایت پرنسیپ‌های کمونیستی و احترام لازم نسبت به رهبری سازمان و نیز نسبت به حزب توده ایران خود بیانگر حقانیت نظرات و مواضع ما است. ما هرگز نباید در مواجهه با برخوردهای نادرست سایر رفقا از کوره درویم و یا به شیوه مقابله به مثل تسلیم شویم. در غیر اینصورت گرایشهای انحرافی و نظرات غیراصولی از شیوه‌های برخورد ما سود خواهند جست.

صدای اعتراض خود را علیه نظرات و شیوه‌های غیر اصولی با متانت، شکپائی، با شور و خروش و مهمتر از همه با دلایل کافی و قانع کننده، بتدریج در تشکیلات بلند کنید.

### سند شماره ۲

توطئه‌گران بر اساس چنین رهنمودهایی در سازمان، جو فشار و مشی ایجاد اختلال در کار سازمان را پیش می‌برند.

### (تیترا ناخوانا) رهنمود به رفقا

در هفته گذشته بیانیه مشترکی به امضای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انتشار یافت. این بیانیه از سوئی نوعی اعلام پذیرش برنامه حزب توده ایران و از سوی دیگر نوعی پذیرش رهبری حزب توده ایران است.

روشن است که رفقا میبایست حتی الامکان، به این اقدام اعتراض کنند و دلایل خود را در رد این اقدام و اقدامات مشابه ابراز دارند.

به اعتقاد ما رفقانی که مقاله "سازش با انحراف زیر پرچم وحدت" را بدقت خوانده باشند خواهند توانست در مباحث و اعتراضات خود دلایل کافی را در رد این بیانیه مشترک ارائه کنند و خطرات و عواقب این شیوه پیشبرد امور را برای دیگر رفقای سازمان توضیح دهند.

نکات مهمی که در رابطه با این بیانیه مشترک قابل توجه است و رفقا میبایست در اعتراضات و استدلالات خود بدان انگشت گذارند، بطور خلاصه و به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱- اعلام تلویحی پذیرش برنامه حزب توده ایران

در حالیکه هنوز حتی یک جزوه چند صفحه‌ای در رابطه با مواضع و نظرات مرکزیت سازمان در قبال برنامه حزب توده ایران به تشکیلات ارائه نشده و در شرایطی که رفقای سازمان در انتظار آن بودند که مباحث مربوط به برنامه و "مقام و موقعیت سازمان و حزب" در سازمان به بحث و اظهار نظر گذاشته شود، "بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" بطور تلویحی و با همان زبان آشنای عدم صراحت و روانشناسانه، به پذیرش برنامه حزب توده ایران و همچنین پذیرش رهبری حزب توده ایران را توسط رفقای هیات سیاسی سازمان اعلام داشت!

"حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی میهن‌دوست و آزادیخواه که بدست آوردن استقلال همه‌جانبه، براندختن کامل سلطه جابرانه استعمار و استعمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی - اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامه خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در خارج قانین اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، بیوان راستین خط امام خمینی، در خارج نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و با حداقل بسیار نزدیک است." (صفحه ۹ "بیانیه مشترک") (تاکید از ماست)

"این برنامه‌ای که اینقدر مشخص و شناخته شده است که میتوان به وضوح و روشنی درباره ویژگیهای آن سخن گفت، فی المثل توضیح داد که "این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه مبارزان مسلمان انقلابی..... مطرح کرده‌اند منطبق و یا حداقل بسیار نزدیک است." کدام برنامه است؟ پیداست که مقصود "بیانیه" از "این برنامه" مشخص همان برنامه حزب توده ایران است. بنابراین هم نویسندگان حزب توده ایران و هم رفقای هیات سیاسی ما که این بیانیه را امضاء کرده‌اند بر این مساله آگاهی داشته‌اند که مقصود از "این برنامه" کدام برنامه است. در واقع رفقای هیات سیاسی با انتشار این بیانیه بار دیگر اثبات کردند که بی اعتنائی به اراده تشکیلات، بی اعتنائی به امر ضرورت آگاهی اعضای سازمان از مسائل مهمی که خود میبایست مجریان آن باشد، بی اعتنائی به مبارزه ایدئولوژیک و به ابتدائی ترین حقوق اعضا و موازین لنینی تشکیلات به صورت یک خصلت ریشه ای و پرهیزناپذیر رفقا درآمده است.

بیانیه مشترک در واقع خود، تکرار بخشی از متن برنامه حزب توده ایران است که رفقای امضا کننده بیانیه مشترک کل آنرا بدون آنکه "ایقان قطعی" داشته باشند و یا به اندازه کافی در آن غور کرده باشند و کمترین توضیحی از دلایل صحت و درستی آنرا به تشکیلات ارائه کرده باشند قبول

کرده اند، و با انتشار بیانیه از تمامی سازمان نیز می‌خواهند که بدون چون و چرا کورکورانه از آنان اطاعت کرده و برنامه را بدون دلیل بپذیرند و آنرا در سطح جنبش تبلیغ کنند و در غیر اینصورت "مرده" و "مغسب" اعلام شده و مورد تنبیه قرار خواهند گرفت. رفقای که برنامه حزب توده ایران را خوانده باشند می‌دانند که حتی تیتز بخشی از برنامه به تیتز بیانیه مشترک شبیه است و در موارد متعدد جملاتی از برنامه و یا همان مضامین عیناً در بیانیه مشترک نقل و تکرار شده‌اند.

بیانیه اعلام میدارد که "حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان نمایندگان یک جریان فکری"، به یک برنامه (کلمه ناخوانا) ("این برنامه") اعتقاد دارند. و این در حالی است که هنوز برخی از رفقای رهبری به ادغان خودشان حتی "این برنامه" را نخوانده‌اند و هنوز به تنها هیچ بحث تعمیق یافته‌ای حول آن در سازمان شکل نگرفته، بلکه جلسات مشورتی مرکزی، مشاورین که قرار بود پیرامون همین موضع سازمان در قبال برنامه سازماندهی گردد آغاز نشده است.

### ۲- اعلام تلویحی پذیرش رهبری حزب توده ایران

در بیانیه مشترک نزدیک به بیست بار نام حزب و سازمان آورده شده‌است. بدون استثناء در همه موارد نخست نام حزب توده ایران و بدنیاک آن نام سازمان آورده شده‌است. این تقدم و تاخر ظاهراً کم اهمیت که در سراسر بیانیه مشترک حتی یک استثناء هم ندارد، نمیتواند انقافی باشد. در واقع این برخورد، بمعنی اقدام نیم علنی در اعلام نظری است که هرچند در گذشته برداشت خود را از مقام و موقعیت حزب و سازمان "صریحاً" اعلام نداشت، اما اعتقاد دارد و با رمز بویژه در هفته‌های اخیر بطور شفاهی اینها را برای تشکیلات اعلام کرده و در اقدامات (کلمه ناخوانا) خود نشان داده است که رهبری حزب توده ایران را بدون آنکه دلایل آنرا به تشکیلات بگوید و از آن دفاع کند پذیرفته و در کار ادغام سازمان در حزب توده ایران است و در این راه از اتخاذ هیچ شیوه نادرستی رویکران نیست.

این تقدم و تاخر حساب شده بدون استثناء گامی است در پذیرش تدریجی نظری که حتی برعکس آنچه در قطعنامه مرداد آمده است به "استقلال رهبری" و به "حقوق مسأله" در امر اتحاد عمل اعتقاد ندارد بلکه خواهان ادغام گام به گام سازمان در حزب توده ایران زیر لوای اتحاد عمل است. اما در اینمورد نیز طبیعتاً قادر به دفاع صادقانه و صریح ایدئولوژیک از نظرات خود نیست و از همین روش در جا انداختن تدریجی نظر (کلمه ناخوانا) در سطح سازمان و جنبش در پیش گرفته است.

### ۳- برخورد روانشناسانه و عدم صراحت

اعلام موضع هیات سیاسی در قبال برنامه حزب توده ایران بصورت "بیانیه مشترک" و اصرار در تقدم نام حزب بر نام سازمان در سراسر بیانیه تجلی برخورد ابهام آمیز و روانشناسانه رفقای هیات سیاسی با اعضاء و تشکیلات است. تجلی بینشی است که در یکساله گذشته تا آنجا که توانسته حاضر نشده است نظرات و اعتقادات خود را صریحاً در تشکیلات اعلام دارد و با آگاه ساختن تشکیلات از کم و کیف مسائل، در محیطی هرچه آگاهانه‌تر از نظرات خویش دفاع نماید. این "بیانیه" تجلی همان بینشی است که در عمل قبول ندارد که تشکل کمونیستی تشکل صرفاً آگاهانه است و هر تلاشی هرچند جزئی و کوچک در ناآگاه داشتن تشکیلات از مسائل جاری ایدئولوژیک مایه ضعف خلاقیتها، رشد انحرافات گوناگون، رشد شدید بی اعتمادی و ضعف پیوندهای رفیقانه و تلاشی تشکیلات است.

این شیوه اعلام موضع از سوئی اعلام پذیرش برنامه و رهبری حزب توده ایران است و از سوی دیگر راه فرار را در صورتی که با اعتراض وسیع تشکیلات روبرو گردد، باز گذاشته است.

با چنین شیوه‌ای در واقع هرکجای تشکیلات که اعتراض علیه پذیرش برنامه و رهبری حزب توده ایران آنهم به این صورت اوج گیرد، میتوان توضیح داد که این به معنی اعلام پذیرش برنامه و رهبری حزب توده ایران نیست. مقصود از "این برنامه" چیزی جز همین بیانیه مشترک نبوده و هرکجا که رفقای تشکیلات گرایش به تمکین و قبول بی تعقی و بی دلیل برنامه و رهبری حزب توده ایران را داشته باشند میتوان گفت که "این برنامه" همان برنامه همان برنامه حزب توده ایران است و تاکید بر تقدم نام حزب و آوردن نام سازمان بدنیاک آن به معنی پذیرش رهبری حزب است.

در همین حال حزب توده ایران نیز میتواند در حوزه‌های حزبی خود بگوید که این بیانیه به مفهوم پذیرش رسمی و علنی برنامه حزب توسط سازمان بوده است و البته آن دسته از مسئولان و رفقای رهبری سازمان نیز که هم نظر با رهبری حزب توده ایران هستند خود خیلی خوب میدانند که مقصود آنها از "این برنامه" چیزی جز برنامه حزب نیست و اصرار بر تقدم نام حزب نیز اشاره به پذیرفتن رهبری حزب توده ایران است.

در بیانیه کوشش شده است تا حتی الامکان واژه‌ها، اصطلاحات و عباراتی را که به نوعی در بیانیه ها و مقالات حزب توده ایران تکرار شده اند گنجانده شوند. این کوشش که بویژه در ماههای گذشته در نشریه کار منعکس بوده است، جزئی از همان برخوردی است که تلاش دارد با اتخاذ اینگونه شیوه ها نظرات (کلمه ناخوانا) خود را در قبال امر خطیر وحدت و تعیین "مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان" به پیش برد.

چنین شیوه‌هایی خود بهترین و گویاترین دلیل بر نادرستی مواضع رفقا است. پیشبرد مواضع اصولی نه تنها هرگز به شیوه‌های غیراصولی نیازی ندارد بلکه برعکس به شیوه‌ها و اشکال اصولی تکیه دارد.

شیوه مرسوم و اصولی جنبش جهانی کمونیستی و هر جریان وفادار به جنبش جهانی کمونیستی همواره این بوده و هست که موضع یک جریان کمونیستی در قبال مسائل برنامه‌ای و تغییر در برنامه پس از نظرخواهی وسیع از تمامی اعضاء و پس از تمشیح کافی و همه‌جانبه مسائل تئوریک مربوط به آن اعلام گردد. ما نیز بر چنین شیوه‌ای که متضمن وحدت اصولی و پایدار و آگاهانه جنبش کمونیستی است تاکید داریم.

رفقای ما باید بر این پرسشها با پاسخاری کنند که چرا چنین شیوه‌های نادرستی اتخاذ میگردد؟ آیا اگر مواضع درست و اصولی باشد پیشبرد آن میتواند به شیوه‌های غیراصولی نیازمند گردد؟ چرا نام حزب بدون استثناء همه جا پیش از نام سازمان آمده است؟ مقصود از "این برنامه" کدام برنامه است؟

آیا کسانی که چنین شیوه‌هایی را محکوم و مردود میدانند نباید در درستی مواضع رفقای طرفدار اینگونه شیوه‌های غیراصولی تردید کنند؟ و.....

رفقای ما باید تاکید کنند که شیوه درست و اصولی آن بود که رفقا پیش از اعلام موضع در قبال برنامه و مقام و موقعیت سازمان و حزب توده ایران نظرات خود را صریحاً و صادقانه به تشکیلات اعلام میداشتند و از آن دفاع میکردند.

### ۳- خواست ما چیست؟

ما خواستار آئیم که مسائل مربوط به امر وحدت جنبش کمونیستی، برنامه و مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان که بدون تردید امروزه به حیاتی‌ترین مسائل جنبش کمونیستی بدل شده‌اند وسیعاً در سازمان به بحث گذاشته شده و نظرات متفاوتی که در سطح رهبری سازمان وجود دارد هرچه زودتر در تشکیلات مطرح گردد. و این شیوه‌های روانشناسانه غیرصادقانه و ابهام‌آمیز که سعی بر ناآگاه داشتن تشکیلات دارند هرچه زودتر متوقف شوند، تنها بدین وسیله میتوان مسائل را در تشکیلات و کل جنبش به تعمیق برد و از آن در جهت وحدت اصولی و پایدار بهره گرفت. باید تاکید کنیم که پیشبرد امور به گونه‌ای که اکنون جریان دارد مغایر پیشبرد وحدت اصولی و مسئولیت عواقب آن به عهده آن عده از رفقای رهبری است که اینک مدتهاست با اقدامات خود ضربات جدی به سازمان و جنبش کمونیستی وارد ساخته و با (۳ کلمه ناخوانا) تشکیلات، و با رشد پدیده‌ها و روابط ناسالم با پس زدن خلاقیت و تشویق سطحی نگری و تشویق تمکین کورکورانه و..... سازمان را به رکود و انفعال کشانده‌اند. انهم در شرایطی که تحرک سازمان و شرکت آن در پرتابک سیاسی بیش از همیشه دارای اهمیت حیاتی است. شکل و شیوه اعتراضات

شکل اعتراضات رفقا به موقعیت تشکیلاتی رفقا و وضعیت و آمادگی و واکنش های احتمالی دیگر رفقای سازمانی مرتبط با رفقای ما و وضعیت ماموریت سازمانی رفقا بستگی دارد. بدیهی است که هدف از اعتراضات، آگاهانیدن هرچه بیشتر اعضاء و فعالان تشکیلاتی از واقعیت مسائل، آشنا کردن آنها با نظرات درست و اصولی، مطلع ساختن رفقای سازمان از گستردگی اعتراضات وسیعی که در سازمان وجود دارد و حتی الامکان ممانعت از پذیرش و پیشرفت نظرات و شیوه‌های انحرافی است. اعتراضات بویژه باید بگونه‌ای باشند که نشان دهد اختلافات ما دارای مضمون ایدئولوژیک - سیاسی است و تنها به انتقاد از شیوه ها و اشکال غیراصولی محدود نمیشود.

که از جانب توطئه‌گران برای اخلاص در کار و انجام وظایف سازمان به هم‌مسلمانان خود فرستاده

بودند.

- ۱ -

- ۳ -

فقط برای مسئولین. سایر رفقا میتوانند رونویسی کنند و یا خلاصه‌برداری کنند و یا آنکه بطور شفاهی مطالب را طرح کنند.

برخی انتقادات مشخص به مضمون بیانیه مشترک

بیانیه مشترک براساس برنامه حزب توده ایران تدوین شده است. از همین رو عمده انتقادات اساسی به برنامه حزب توده ایران از قبیل درک حزب توده ایران از تئوری جنبشهای رهاثیخس ملی، تحلیل مباحث اقتصادی - طبقاتی ایران که حزب توده ایران آنرا نیمه فئودال - سرمایه‌داری میداند، عدم صراحت و ابهام در برنامه و غیره... باین بیانیه نیز وارد است. با همین درک است که بیانیه:

۱- به مسائل و دشواریهای بسیار مهم کارگری، به مطالبات طبقه کارگر، به بیکاری صدها هزار کارگر و به نقش (کلمه ناخوانا) طبقه کارگر در انقلاب و غیره بسیار کمتر از مسائل دهقانی میپردازد. بیانیه میگوید: اکثر روستاهای ایران زیر حاکمیت خان‌ها و بزرگ مالکان است. این اظهار نظر از همان درک "نیمه‌فئودال - سرمایه‌داری وابسته" که در برنامه آمده است، ناشی میشود. اگر بیانیه میگفت که اکثریت قریب باتفاق دهقانان ایران در شرایط بسیار دشواری زندگی میکنند و ثمره دسترنج آنان بطرق مختلف توسط واسطه‌ها، تجار، سرمایه‌داران و زمینداران و ملاک بزرگ و غیره غارت می‌شود امری بسیار درست بود. اما گفتن اینکه در اکثر روستاهای ایران حاکمیت بزرگ مالکان و خانها برقرار است امری اغراق آمیز است. مسلماً سیطره زمینداران بزرگ و خانها بر بخش مهمی از روستاهای ایران بویژه در مناطقی مثل کردستان و بلوچستان و غیره امری درست است، اما بیانیه طوری نوشته شده است که گوئی روابط تولید فئودالی در اکثر روستاهای ایران وجود دارد. در حالیکه امروز در عرصه کشاورزی ایران عمدتاً روابط تولید کاشت ساده و (کلمه ناخوانا) تولید سرمایه‌داری برقرار است و تنها در بخشهای محدودی از مناطق روستائی ایران بقایای روابط تولید فئودالی برقرار است.

۲- امروز یکی از مهمترین مسائل انقلاب ایران، مساله جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب ما است. بیانیه هیچ برخورد مشخصی با مساله جنگ ندارد. بدون تردید مهمترین وسیله دفع تجاوز رژیم صدام بیکار عادلانه‌ای است که هم اکنون در جبهه‌ای بطول صدها کیلومتر علیه تجاوزگران در جریان است. اما بهره‌گیری از سایر اشکال دفع تجاوز مثل پذیرش مذاکره صلح نیز از اهمیت جهانی برخوردار است. پذیرش مذاکره صلح بویژه از آنجا حائز اهمیت حیاتی است که از یکسو یکی از اشکال دفع تجاوز و از سوی دیگر وسیله‌ای است برای ممانعت از تبلیغات امپریالیسم و ارتجاع منطقه که میخواهند رژیم صدام را صلح طلب و رژیم جمهوری اسلامی ایران را جنگ طلب وانمود کنند.

هرگاه دولت جمهوری اسلامی مذاکره در راه صلح را بپذیرد و آنرا منوط به بیرون رفتن آخرین سرباز عراقی از خاک میهن نکند (بکند؟) صدام نخواهد توانست با جنگ طلب جلوه دادن جمهوری اسلامی و صلح خواه جلوه دادن رژیم خویش، رشد تضادهای درونی ارتش عراق و رشد جنبش توده‌ای این کشور را با کندی مواجه سازد. و از سوی دیگر ضدانقلاب داخلی و خارجی نیز نخواهند توانست با تبلیغات عوامفریبانه خود در میان مردم ما و در ارتش ما تبلیغات خود را به پیش برند. پذیرش مذاکره در راه صلح بدون تردید در افشای ارتجاع منطقه و شناساندن واقعی و هرچه بیشتر انقلاب ایران به مردم منطقه کمک بزرگی خواهد کرد... و قطعاً در پیروزی هرچه سریعتر ایران بر تجاوزگران نیز تأثیرات جدی خواهد داشت، حال باید پرسید با این توضیحات که درک آنهم کار مشکلی نیست چرا بیانیه مشترک به مسئله جنگ نمیپردازد؟

باعتقاد ما این عدم برخورد با مساله جنگ نمیتواند اتفاقی باشد بلکه بدرک بشدت انحرافی حزب توده ایران از مساله اتحاد - مبارزه بازمیگردد. مطابق این درک چون حکومت جمهوری اسلامی ایران با مذاکره در راه صلح مخالف است، درست نیست ما پیشنهادات خود را ارائه کنیم. درحالیکه عدم طرح این مسائل بهیچ روی نمیتواند بسود حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. در این مورد طرح این سنئوال که چرا بیانیه در مورد مساله حیاتی جنگ هیچ پیشنهادی را مطرح نکرده است ضروری است.



۳- در دوماهه گذشته مسائل بسیار مهمی در درون حکومت جمهوری اسلامی ایران رخ داده است. پاسخ امام خمینی به حجت‌الاسلام رفسنجانی که اختیارات شورای نگهبان را محدود و قدرت اکثریت مجلس را افزایش داد، مصاحبه موسوی اردبیلی که بر بازداشت برخی از حکام شرع اشاره داشت، صف‌بندی درون مجلس که به رد ولایتی و نخست‌وزیری موسوی انجامید، تشدید تضاد نیروهای خط امام و انجمن پرنفوذ حجتیه که ماه‌هاست شواهد آن در دست است، سخنرانی حجت‌الاسلام (ناخوانا) علیه انجمن حجتیه و بسیاری از حوادث درخور توجه و مهم دیگری که پیش از انتشار بیانیه مشترک اتفاق افتاده‌اند همگی نشان می‌دهد که در مقطع کنونی یکی از مهمترین مسائل انقلاب ایران چگونگی حل تضاد میان نیروهای واقع‌بین خط امام و راست‌ترین جناح حکومت است. بیانیه هرچند بطور پراکنده به برخی حوادث فوق اشاره داشته ولی بهیچ روی باین حوادث به صورت سلسله زنجیری از مساله تشدید مبارزه طبقاتی در درون حکومت جمهوری اسلامی ایران و مبارزه حاد نیروهای واقع‌بین خط امام علیه راست (۴ کلمه ناخوانا) جناح حاکمیت است، نبرداخته است.

۴- بیانیه به تاکتیک امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه در قبال انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی می‌پردازد ولی بهیچ روی مشخص نمیکند که هم‌اکنون امپریالیسم در جهت نابودی انقلاب ایران کدام تاکتیک مشخص را دنبال میکند. در بیانیه آمده است که:

"امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و..... تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه‌ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته‌اند." اما بهیچوجه معلوم نمیشود که این "توطئه" جدید کدام توطئه است. یا "عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک" ذکر میگردند. لیکن با کمی دقت معلوم میشود که هیچیک از عناصر پنجگانه این "توطئه جدید"، جدید نیستند و همگی دست کم از دو ماه پس از تسخیر سفارت وجود داشته‌اند.

۵- در مورد نیروهای دفاع ملی، بیانیه تنها به تصفیه ارتش و (کلمه ناخوانا) سپاه اشاره دارد. درحالیکه خود نیروهای مترقی خط امام، (کلمه ناخوانا) امام خمینی بارها از ضرورت ایجاد ارتش بیست میلیونی، ضرورت آموزش و تسلیح انجمن‌ها و شوراهای صحبت کرده و اعلام داشته‌اند که بدون اتکاء به آموزش و تجهیز هرچه وسیعتر توده‌های مردم انقلاب آسیب‌پذیر است. بدون شک تصفیه ارتش و سپاه و تجهیز هرچه بیشتر سپاه امری ضروری است. لیکن برای تقویت بنیه دفاعی انقلاب قطعاً ضرورت آموزش و تجهیز انجمن‌ها، شوراهای و سایر تشکل‌های مردمی امری بدیهی است و ما در شعار ارگان کار "تسلیح توده‌ها..." نیز تاکنون بدان توجه داشته‌ایم.

۶- در مورد مساله ملی نیز بیانیه از مواضع قبلی سازمان و حتی حزب توده ایران که راه‌حل نظامی را مردود دانسته و راه‌حل سیاسی را تنها طریقه انقلابی و درست حل کردن مساله میدانستند عدول کرده است. درواقع موضع بیانیه بگونه‌ای بر راه حل نظامی که قطعاً موجب تقویت ضدانقلاب در کردستان، و تضعیف پیوند خلق‌های ایران و بخطر افتادن تمامیت ایران خواهد بود صحنه گذاشته است. تردیدی نیست که فقط راه حل سیاسی است که میتواند نیروهای در جنگ با جمهوری اسلامی را در کردستان و تمامی ایران منزوی ساخته و پیوند همه خلق‌های ایران را مستحکم سازد.

انتقادات مشخص دیگری نیز در بیانیه بچشم میخورد که هر یک از رفقا آنرا به دقت خوانده باشند متوجه آن شده‌اند.

طرح این انتقادات در حوزه‌ها توسط رفقا از آنجهت درخور اهمیت است که با تاکید رفقا بر این مسئله که بیانیه پذیرش تلویحی برنامه و رهبری حزب توده ایران است احتمالاً این پرسش مطرح خواهد شد که انتقاد مشخص شما به مضمون بیانیه مشترک چیست.

**سیند شیماره ۴** در این سند توطئه‌گران جهت توجیه اقدامات غیرقانونی و غیراصولی خود، به تحریف رویدادها و وقایع دست زده‌اند. به رفقای تشکیلات

با درود

همانگونه که رفقا مطلع‌اند، پس از یکسال مبارزه پیگیر با بینش انحلال طلبانه و اقدامات سازمان شکنانه و بدنبال اوج گیری بحران در (کلمه ناخوانا) سازمان ر. همایون حدود یکماه قبل طی نامه‌ای در مورد عواقب زاینبار خط مشی وحدت غیراصولی و شیوه‌ها و روش‌های پیشبرد آن که (کلمه ناخوانا) زیرا گذاشتن ابتدائی ترین پرنسیپها و موازین لینی تشکیلات است به رفقای هیات سیاسی هشدار داد. ر. همایون در این نامه ضمن اشاره و موارد متعدد از اقدامات غیرکمیونیستی و سازمان شکنانه رفقای هیات سیاسی و ضمن تاکید بر این مسئله که اقدامات رفقا در صورت تداوم یقیناً راه حل اختلافات ایدئولوژیک سیاسی را با بن بست مواجه خواهد ساخت خواهان آن شد که برای اجتناب از این عواقب: ۱) اجرای قطعی قطعنامه مردادماه که ناقض حقوق و اراده تشکیلات و سلب کننده اختیارات اساسی کنگره بود، متوقف شود. ۲) طرح نظرات مختلف در سازمان بلافاصله آغاز گردد ۳) در جهت تدارک نخستین کنگره سازمان حرکت شود. بدنبال این نامه طی جلسات متعددی با شرکت رفقای هیات سیاسی تشکیل گردید. بعنوان نخستین اقدام رفقا پذیرفتند که حرکت‌های سازمان شکنانه، نظیر تعلیق‌ها، اخراج‌ها، تحریف نظرات متوقف گردد. پذیرفتند جلوی پیشبرد سیاست انحلال سازمان و ادغام آن در حزب توده ایران با استفاده از شیوه‌های روانشناسانه و موضعگیری‌های دوپهلو و غیرصریح نظیر انتشار بیانیه مشترک، گرفته شود و پس از طی دو هفته مقاله "سازش یا انحراف جز پیرم وحدت" با تاکید باز هم بیشتر بر ضرورت برخورد اصولی به نظرات در درون سازمان و ضرورت تحکیم وحدت رهبری و انسجام سازمان منتشر گردد.

بعلاوه بنابه خواست رفقای هیات سیاسی قرار شد رفقا همایون و علی‌نامه‌ای مبنی بر ضرورت تحکیم وحدت رهبری و ضرورت پذیرش انورتیبه رهبری نوشته و به رفقای هیات سیاسی ارائه دهند. اما رفقای هیات سیاسی در عمل راهی کاملاً مخالف تعهدات خود نپیمودند. چرا که در فاصله این دو هفته آن رفقا نه تنها حرکات غیراصولی درون تشکیلات را متوقف نکردند بلکه بر شدت و ابعاد این حرکات افزودند و تعداد زیادی از رفقای مخالف قطعنامه مرداد را صرف داشتن نظری متفاوت از اکثریت رهبری، از حوزه‌ها اخراج و یا مسئولیت‌های تشکیلاتی آنها را سلب و یا به حالت تعلیق درآوردند و از سوی دیگر، شایعه پراکنی، سم پاشی و تحریف نظرات در ابعاد بازم گسترده‌تر ادامه یافت. بعد از مذاکره رفقا تعهدات خود را در این زمینه نیز زیر پا نهادند.

روز جمعه گذشته (۱۳ آذرماه) در آخرین جلسه که با حضور دو تن از رفقای هیئت سیاسی تشکیل گردید هنگامی که رفقا همایون و علی با ارائه دلایل و مدارک فراوان از رفقای هیات سیاسی پرسیدند که چرا برخلاف تعهد رفقا، روند تصفیه و تعلیق مخالفان قطعنامه مردادماه شدت و گسترش بسیار بیشتری به خود گرفته است، آن رفقا اعلام داشتند که تصفیه‌ها و تعلیق‌ها جزو اختیارات ما است و از این پس نیز در هر (کلمه ناخوانا) و سطحی که هیات سیاسی صلاح بداند با قاطعیت ادامه خواهد یافت. و این در حالی بود که چند تن از مسئولان تشکیلاتی صریحاً بر برخی حوزه‌ها مطالبی در مورد اخراج قریب الوقوع ۲۰ تا ۴۰ نفر دیگر از کادرهاک سطوح بالای سازمان بیان داشته بودند و درواقع زمینه تصفیه و تعلیق تمامی کادرهاک مخالف قطعنامه مردادماه فراهم می شد تا پس از آن امر انحلال سازمان و پیوستن آن به حزب توده ایران با خیال راحت اعلام گردد.

رفقای هیات سیاسی علیرغم کوشش مسئولانه رفقای ما برای جلوگیری از گسترش باز هم بیشتر بحران و یافتن راه حل‌های مناسب به ر. همایون و علی اعلام داشتند که نوشتن نامه مبنی بر پذیرش انورتیبه رهبری منوط به توقف تصفیه‌ها و تعلیق نیست چنین امری (کلمه ناخوانا) رهبری است و شما می بایست تمکین نمائید.

در مقابل ر. همایون و علی پیشنهاد مذاکره جدی و مفصل درباره راه حل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی درون سازمان دادند و روند جاری در تشکیلات را غیرکمیونیستی و ناسالم اعلام داشتند و به رفقای هیات سیاسی گفتند که با قاطعیت، علیه این روند و بینش ناظر بر آن مبارزه خواهند کرد.

درپی این روند، با توجه به اینکه رفقا عملاً جریان مباحثه را به بن بست کشیده و حتی به پیشنهاد مذاکره نیز پاسخ قاطع و دقیقی نداده بودند و از سوی دیگر عملکرد یکساله گذشته و بخصوص برخورد بغایت غیر منصفانه و غیراصولی رفقا طی دو هفته گذشته جای تردیدی باقی نمیگذاشت که رفقا قصد حل اختلافات ایدئولوژیک سیاسی درون سازمان در چهارچوب شیوه‌های اصولی و منطبق با موازین کمیونیستی را ندارند و از آن اسفباتر اینکه کمترین اعتقاد هم به لزوم حل اصولی اختلافات ندارند. (کلمه ناخوانا) اخبار و گزارشات بسیار نگران کننده‌ای از ایالات مبنی بر گسترش حرکات غیراصولی رفقای هیات سیاسی و اخراج مداوم رفقای ما این نتیجه‌گیری تکلیف تاریخی و انقلابی ما را به روشنی معلوم ساخت. تکلیفی که در تدوین بیانیه فراخوان کنگره نخستین سازمان تلور یافت ولی برای آنکه راه کمترین بازگشت بروی رفقا بسته نشده باشد از کمترین امکان درون سازمانی در جهت حل اصولی اختلافات ایدئولوژیک سیاسی و نیز حاکم گردانیدن موازین زندگی کمیونیستی در سازمان استقبال کرده باشیم، برغم همه تجربه‌های قبلی، انتشار بیرونی بیانیه را به نتیجه آخرین مذاکره با رفقا موکول کردیم. این دور از مذاکرات از یکشنبه شب آغاز و تا نیمه شب سه شنبه همین هفته ادامه یافت.

پیشنهادات ما به قرار زیر بود:

۱- قطعنامه پلنوم مردادماه منتهی اعلام گردد.

۲- برای از میان بردن عواقب بیرونی و درونی حاصل از اجرای قطعنامه مرداد اقدامات زیر انجام شود:  
الف- (کلمه ناخوانا) عواقب بیرونی اجرای قطعنامه لازم است از انتشار بیانیه سازمان و حزب که از یکسو اعلام پذیرش تلویحی برنامه حزب توده ایران و از سوی دیگر اعلام تلویحی پذیرش رهبری حزب توده ایران است و همچنین از موارد برخورد‌های ابهام آمیز و دو پهلو و روانشناسانه در ارگان کار انتقاد شود.

ب- رفقای که تنها به دلیل انتقاد از قطعنامه مردادماه، تعلیق، تنبیه و یا اخراج شده‌اند به پست‌های سازمانی خود بازگردند و رفقای که به صرف پذیرش قطعنامه مردادماه، بدون آنکه صلاحیت کافی داشته باشند در برخی موقعیت‌های تشکیلاتی قرار گرفته‌اند به موقعیت‌های سابق خویش بازگردند.

ج- از آنجا که تعیین خط مشی وحدت سازمان و حزب توده ایران بر عهده کنگره سازمان بوده است و از آنجا که پلنوم مرداد این اختیار را از کنگره سازمان سلب کرده است، از این تصمیم در تشکیلات بطور مشخص انتقاد شده و کژآموزیهای ناشی از آن تصحیح گردند.

۲- تدارک برگزاری نخستین کنگره سازمان به منظور اعلام مواضع روی برنامه و مقام و موقعیت سازمان و حزب و تعیین خط مشی وحدت آغاز شود و نظرات به تشکیلات داده شود. ما به رفقا گفتیم که در صورت پذیرش این پیشنهادات بی درنگ به تشکیلات اعلام خواهد شد که انورتیبه کامل رفقا پذیرفته می شود، بیانیه انتشار بیرونی نخواهد یافت. ما به رفقا گفتیم در صورت پذیرش پیشنهادات، ایمان داریم که به رغم تمام دشواریها سازمان میتواند به سرعت شیوه‌های اصولی حل اختلافات را بیابد. ما به رفقا گفتیم که روش علمی برخورد با مسایل کنونی سازمان آن است که از بینشی که سازمان را به وضعیت کنونی رسانیده است آغاز کنیم و در این رابطه مسئولیت رفقای رهبری سازمان را تذکر دادیم و گفتیم رفقا باید حداقل انتقادات را صمیمانه بپذیرند و متعهد گردند که در جهت حل اصولی مسایل حرکت خواهند کرد.

رفقا هرچند در مذاکرات ضروری برخی انتقادات بسیار مهم را بپذیرفتند لیکن به هیچ روی حاضر نبودند این انتقادات در تشکیلات مطرح شود و مهمتر آنکه پیشنهادات ما را اساساً مردود و غیرقابل قبول اعلام داشتند. رفقا می گفتند این سخن شما به مفهوم تقاضای انحلال رهبری است. ما به رفقا گفتیم که نظر پلنوم مرداد و پذیرش برخی انتقادات و تعهد در جهت تصحیح اشتباهات نه تنها به مفهوم انحلال رهبری نیست بلکه دقیقاً موجب تقویت رهبری و انسجام هرچه بیشتر سازمان خواهد شد. نه تنها به اعتماد توده‌های سازمانی نسبت به رهبری آسیبی نمی رسد بلکه قویاً این اعتماد را تحکیم می یخشد. بعلاوه ما تذکر می دادیم که رفقا تاکنون در پلنوم‌های متوالی تصمیمات پلنوم‌های قبلی را لغو کرده‌اند و برای نمونه لغو تصمیمات پلنوم آذر را تذکر می دادیم. ما به رفقا گفتیم که در صورت پذیرش پیشنهادات ارائه شده ما همه توان خود را

در تقویت رهبری کنونی سازمان به کار خواهیم گرفت و بیدرنگ تصمیمات بیانیه در پیش به سوی نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را منتفی اعلام خواهیم داشت.

در یکی از جلسات (عصر روز دوشنبه) دیراوار حزب توده ایران نیز در مذاکرات شرکت کرد. ایشان به صراحت مساله کنگره را امری (کلمه ناخوانا) اعلام داشت. ایشان بر این نکته تأکید می کرد که بردن مباحث برنامه‌ای و مسایل مربوط به خط مشی وحدت به میان اعضای سازمان امری نادرست و ضوحدت است. ما به ایشان گفتیم که برای تشخیص مسایل و تصمیم آگاهانه تشکیلات چه راهی جز این وجود دارد؟ ایشان پاسخ می دادند که این حرفها ضوحدت و ضدیت با حزب توده ایران است.

ایشان می گفتند مسایل کنونی انقلاب به ما فرصت این را نمی دهد که با این حرفها وحدت را به تأخیر اندازیم. در پاسخ به ایشان گفتیم پاسخگویی به مسایل کنونی انقلاب را میتوان با وسیع ترین اتحاد عمل ها و سریعترین همکاری پاسخ گفت اما وحدت حزبی هرگاه آگاهانه نباشد عواقبی مرگبار برای جنبش کمونیستی میهن به بار خواهد آورد. ایشان پاسخ مفصلی دادند که جوهر آن تکرار همان سخنان قبلی بود.

سرانجام رفقا در پاسخ ما اعلام داشتند که حداکثر چیزی که می توانند بپذیرند این است:

۱- ما ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی را برای تعیین تکلیف وضع موجود می پذیریم. (با پلنوم وسیع و یا کنفرانس کشوری)

۲- می پذیریم که تحریف نظرات و تصفیه های ایدئولوژیک متوقف شود.

۳- نظرات به تشکیلات ارائه شود.

۴- مقاله تهیه شده در مورد اعلام علنی پذیرش حزب توده ایران بعنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر که با برداشتن شعار همراه خواهد بود به تأخیر افتد.

اما هنگامیکه ما پرسیدیم مضمون کنگره یا ارگان بالاتر از کمیته مرکزی از نظر رفقا چیست، رفقا همان درک قبلی خود از کنگره را ارائه دادند. ما گفتیم کنگره سازمان باید درباره مسائلی که قطعنامه مرداد ماه برپایه موضوع گیری روی آنها تنظیم شده است اظهار نظر نماید نیز نظر سازمان را درباره خط مشی وحدت مشخص کند.

این مسائلی شامل اظهار نظر روی مقام و موقعیت سازمان و حزب توده ایران و برنامه و اساسنامه آن می شود. لیکن منظور رفقا از ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی چنین نبود. رفقا می گفتند منظور ما مجمعی از کادرها است برای پایان دادن به وضع کنونی (۳ کلمه ناخوانا) منظور رفقا از ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی مجمعی از مسئولین برای تأیید صوری و سطحی (کلمه ناخوانا) خط مشی غیراصولی بود. رفقا این درک خود را گاهی به طور صریح و گاه در ابهام بیان می داشتند. رفقا در ضمن هیچ منابیی برای اجرای پیشنهاداتشان طرح نمی کردند. بنظر ما اولین و مهم ترین پیش شرط حرکت عملی و واقعی این بود که رفقا بپذیرند که اصولاً مسائلی که قطعنامه مردادماه حاصل اظهار نظر روی آنها بود مسائلی کنگره‌های هستند. ولی همانگونه که عملکرد گذشته بینش مدافع وحدت غیراصولی نشان داده بود، همانگونه که مذاکرات مفصل روز دوشنبه تأیید کرد و همانطور که مذاکرات بعدی نیز بطوری بسیار آشکارتر و ملموس تر اثبات نمود رفقا کنگره‌ای بودن این مسائل را قبول نداشتند و در عمل نیز در جهت تدارک عملی کنگره برای اظهار نظر روی این مسائل حرکت نمی کردند. در دو جلسه‌ای که همان بعدازظهر و شب سه شنبه برگزار گردید، ما برای اینکه تا آخرین حد امکان یعنی تا حدودی که اصول اعتقادی اساسی مان را زیر پا نگذاشته باشیم، انعطاف از خود نشان داده باشیم پیشنهادات اولیه خود را بسیار تعدیل نمودیم. ما ضرورت انتقاد از بیانیه مشترک در سطح جامعه و نیز در درون سازمان را پس گرفتیم، از این خواست که رفقای که صرفاً بخاطر تمکین ناآگاهانه به قطعنامه مردادماه و بیانیه مشترک به (کلمه ناخوانا) تشکیلاتی مهمی دست یافته‌اند بجای قبلی خود بازگردند، چشم پوشی کردیم و حتی اعلام لغو قطعنامه پلنوم مردادماه را نیز از لیست پیشنهادات خود حذف نمودیم و تنها این خواست را مطرح کردیم که رفقا بپذیرند مسائلی که قطعنامه مردادماه حاصل اظهار نظر روی آنها بوده است (بحث مقام و موقعیت سازمان و حزب توده ایران در جنبش کمونیستی ایران و اظهار نظر روی برنامه و اساسنامه حزب توده ایران) مسائلی کنگره‌ای بوده و در نتیجه تصویب آنها بصورت قطعنامه‌ای اجرائی و به اجرا گذاردن آن از ۷ مرداد تا امروز بمعنای نقض حقوق ابتدائی تشکیلات و تهی کردن کنگره سازمان از مضمون واقعی و شناخته شده آن بوده است و همین مسئله را در درون سازمان مطرح کنند و اجرای آن متوقف و تصمیم گیری در مورد آن را به اراده مجمع نمایندگان واقعی فعالین سازمان یعنی کنگره بگذارند و در این جهت حرکت کنند.

پذیرش و اعلام این مسئله در درون سازمان بنظر ما حداقل سیاست اجرائی لازم برای توافق، بشمار می رفت چرا که بالطبع پیش شرط اولیه این که بینش مدافع وحدت غیراصولی اعلام نظر سازمان روی مسائل کنگره‌ای را به خود کنگره واگذارند. این بود که قبل از همه چیز بپذیرد که این مسائل اصولاً کنگره‌ای هستند و حرکت در جهت تحقق عینی آنها تصویب کنگره سازمان را لازم دارد.

اما رفقا در جریان مذاکرات اعلام داشتند که اصولاً اعتقاد ندارند این مسائل کنگره‌ای هستند و حرکت عملی در جهت تحقق آنها نیازی به کنگره هم ندارد. آنها بطور مبهم و بدون مشخص کردن هیچگونه فعالیت عملی و مادی برای اجرای توافق های فی‌مابین خاطرنشان می ساختند که تنها می‌پذیرند که فعلاً در در خارج سازمان روی نظرشان درباره حزب توده ایران بعنوان حزب طراز نوین طبقه کارگر و نیز پذیرش برنامه حزب توده ایران و نیز اعتقاد به لزوم ادغام سازمان در حزب توده ایران اظهار نظر نکنند و بجهت آنکه در همانموقع رفقا صریحاً مطرح می ساختند که در درون سازمان هم خواهند گفت که حتی این پذیرش را نیز قبول ندارند و تنها بعنوان امری تحمیلی آنرا بپذیرفته‌اند. صرفنظر از تجربه ۱۱ ماهه کمیته که تماماً بر عدم اعتقاد و عدم پای بندی بینش مدافع وحدت غیراصولی به رعایت موازین حیات درونی سازمان و عدم حرکت در جهت تدارک عملی کنگره سازمان دلالت دارد. خود این (کلمه ناخوانا) بطور کاملاً آشکار و مسلم این مسئله را اثبات نمود که بینش (کلمه ناخوانا) به تعهدات خود در این مورد نیز پای بند نخواهد ماند و همانگونه که با صراحت هم اعلام می‌دارد این پیشنهادات را بعنوان امری تحمیلی ارائه می دهد و این تعهدات را در حرف می پذیرد. اینها بودند چکیده مذاکرات.

مسئله مهم در جریان مذاکرات سه روزه ادامه شیوه برخورد گذشته رفقا بود تا روز سوم مذاکره مجدداً بعضی از رفقای ما در سطح کمیسیون های مرکزی و مسئولین شهرستانها اخراج شدند و در تمامی این مدت تحریف نظرات و تبلیغ گسترده علیه ما ادامه داشت برای نمونه رفیق عضو هیات سیاسی و مسئول نشریه کار در جلسه‌ای با حضور برخی از اعضای تحریریه و فنی کار منجمله رفقای ما حین حمله شدید و غیرمسئولانه به رفقای مخالف قطعنامه مردادماه، ما را مانوئیست و رنجبری و... خطاب کرده و علناً رفقای عضو سازمان را به تبلیغ علیه یکدیگر تحریک می کند.

صبح روز چهارشنبه پس از جمع بندی مذاکرات سه روزه با رفقا و مرور آخرین پاسخ رفقا به پیشنهادات تعدیل شده ما پاسخ رفقا به شکل زیر جمع بندی می شد:

۱- رفقا صریحاً می گویند که به هیچ روی اعتقاد ندارند که هیچ یک از موارد مربوط به خط مشی وحدت که در قطعنامه مرداد آمده است مسائل کنگره‌ای هستند.

۲- رفقا می گویند مواردی از قطعنامه را که می پذیریم در کنگره مطرح شود، صرفاً نوعی مانور می دانیم و در تشکیلات نیز مطرح خواهیم کرد که ما زیر فشار پذیرفته‌ایم برخی موارد قطعنامه مردادماه در کنگره مطرح شود. این اظهار نظر رفقا به مفهوم آن است که رفقا تشکیلات را علیه این تعهد خود بسیج می کنند و هرگاه فشار کاهش یابد ارگان بالاتر از کمیته مرکزی نیز منتفی خواهد بود.

۳- در برابر این پرسش که باتوجه به عدم اعتقاد شما نسبت به طرح مسایل مربوط به خط مشی وحدت در کنگره چه تضمینی برای برگزاری کنگره وجود دارد، رفقا اعلام می دارند تضمین اساسی قول و قرار خودمان است و در فشرده ترین کلام رفقا صریحاً از پذیرش حداقل پیشنهادات ما نیز سر باز زدند.

جمع بندی فوق صحت نتیجه گیری تاریخی (کلمه ناخوانا) انتشار فراخوان نخستین کنگره سازمان تأیید می‌کرد و همچنین تأییدی بود در درستی (کلمه ناخوانا) ما از به بن بست رسیدن حل اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی درون سازمان که از تسلط بیش از حد طلبانه در هیأت سیاسی و (کلمه ناخوانا) اعتقادی اصلاح ناپذیر آنان نسبت به موازین (کلمه ناخوانا) تشکیلات ناشی می‌شد. از این روی تردیدی باقی نمانده بود که ادامه مباحثه با رفقا حاصلی جز فرصت بخشیدن به سم پاشی، اتهام زنی و جوسازی بیشتر ندارد. کوششی که رفقا در تمام مدت مذاکرات از آن فروگذار ننمودند و بر این اساس قرار شد که بیانیه ساعت ۲ بعد از ظهر روز چهارشنبه پخش شود. این تصمیم پس از اتمام جلسه صبح چهارشنبه به رفقای مدافع انحلال سازمان نیز اعلام شد.

\* \* \*

هدف از انتشار اطلاعیه ک. م. س مورخ ۱۸ آذرماه که توسط رفقای مدافع ادغام سازمان در حزب توده ایران انتشار یافته است چیست؟

رفقا در این اطلاعیه اعلام داشته‌اند که می‌پذیریم تصمیم‌گیری در مورد موضع‌گیری در قبال مسایل مربوط به اعلام علنی پیوستن به حزب توده ایران و اعلام پذیرش برنامه و رهبری حزب توده ایران در سطح جنبش به عهده کنگره قرار گیرد. رفقا در جریان مذاکرات روزهای یکشنبه تا سه‌شنبه صریحاً اعلام داشته بودند که ما فقط می‌پذیریم که تعیین تکلیف با برخی مسایل به ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی محول شود. لیکن به تشکیلات خواهیم گفت که ما به این پذیرفتن‌ها صرفاً زیر فشار و به منظور حفظ "وحدت" تن داده‌ایم و روشن است که خود بدان اعتقاد نداریم و نادرست و غیراصولی می‌شناسیم. به همین دلیل نیز رفقا در تمام طول مذاکرات به جای عبارت "ما درست می‌دانیم" عبارت "ما می‌پذیریم" را به کار می‌بردند. حال پرسیدنی است که چرا زمانی که انتشار بیرونی بیانیه آغاز شد، رفقا این اعلامیه را منتشر ساختند. آیا این اقدام واقعاً چیزی فراتر از یک مانور دیپلماتیک می‌تواند باشد؟ آیا مقصود از این مانور دیپلماتیک می‌تواند چیزی مگر به اشتباه انداختن برخی اعضاء و هوادارانی باشد که از مواضع و مسایل اطلاع کافی ندارند؟

برای روشن شدن موضوع ما به رفقای مدافع انحلال سازمان پیشنهاد می‌کنیم توضیح دهند که آیا حاضران صریحاً و صادقانه انتقادات جدی و مهمی که در عملکردها گذشته آنها بویژه در دوره از پلنوم مرداد بدینسو وجود داشته است بپذیرند؟ همانگونه که اشاره شد در مذاکرات سه روزه، رفقا به هیچ وجه حاضر نیستند، قبول کنند به تشکیلات اعلام گردد که برای پیشبرد نظرات ایدئولوژیک سیاسی خود اصول و موازین تشکیلاتی را زیر پا گذاشته‌اند. برعکس رفقا صریحاً تأکید داشتند که به تشکیلات خواهند گفت که ما زیر فشار به تشکیل ارگانی بالاتر از مرکزیت تن داده‌ایم. رفقا می‌دانند که هرگاه چنین انتقاداتی را بپذیرند، بلافاصله بینش ناظر بر خط مشی غیراصولی که شرط پیشبرد مقاصد خود را در اقدامات غیراصولی بویژه حذف اراده آگاه تشکیلات جستجو می‌کنند و در ده ماه گذشته ضریات جدی به سازمان وارد ساخته است، زیر سؤال خواهد رفت و این گام بسیار مهمی است در حل اصولی اختلافات مهم ایدئولوژیک سیاسی، گام مهمی است در پیروزی بینش اصولی و شکست بینش انحلال طلبانه. امری که رفقا سخت از آن می‌هراسند. رفقا می‌دانند که هرگاه انتقادات جدی مهمی را که در عملکردها شده است بپذیرند، اقدام تاریخی ما و نتیجتاً بینش اصولی بیش از پیش حقانیت خواهد گرفت و مواضع ایدئولوژیک سیاسی اصولی تحکم خواهد شد. اقدامی که رفقا را وادار جدی ترین انتقادات وارده به بینش انحلال طلبانه و عملکرد مدافعان این بینش را بپذیرند، اقدامی که موجب استقرار اصول و موازین لنینی در تشکیلات گردد، بی تردید ثابت می‌کند که در جوهر خود اقدامی درست و اصولی است و نتیجتاً بتدریج تمامی تشکیلات به درستی این اقدام (مقصود از اقدام تهیه بیانیه ۱۶ آذر است) پی خواهد برد و متعاقب آن بینش اصولی ناظر بر این اقدام اصولی در تشکیلات تعمیق خواهد گشت و دیر یا زود به نظر تشکیلات تبدیل خواهد شد. مساله محوری در مذاکرات سه روزه همین مساله بوده. تمام تلاش رفقا این بود که اگر هم پیشنهادی را بپذیرند به تشکیلات بگویند زیر فشار و به خاطر "انسجام سازمان" بپذیرفته‌ایم. به تشکیلات بگویند این پذیرفتن به مفهوم نادرستی مواضع ایدئولوژیک سیاسی رفقا و عملکردهای ناشی از آن نیست، بلکه صرفاً اقدامی است که در شرایط عادی امری بیهوده و غیراصولی است. چنین بپذیرفتنی در واقع نه تنها تلاشی بود برای آن که حقانیت اقدام ما و مهم‌تر از آن حقانیت بینش ناظر بر اقدام ما را از چشم تشکیلات پنهان سازد، بلکه عملاً کوششی بود به منظور تقویت هرچه بیشتر بینش انحلال طلب، تقویت هرچه بیشتر شیوه‌ها و روش‌های ضدتشکیلاتی و به زیر سؤال کشیدن بینش اصولی.

تمامی تلاش ما در مذاکرات سه روزه این بود که رفقا به عملکردهای ده ماهه گذشته و بویژه عملکردهای از پلنوم مردادماه بدینسو صریحاً و شجاعانه انتقاد کنند. اگر رفقا چنین انتقاداتی را می‌پذیرفتند، بدون تردید اقدام تاریخی ما موجب برداشته شدن مهمترین گام ممکن در استقرار اصول و موازین لنینی و تعمیق و تقویت هرچه بیشتر و سریعتر بینش اصولی می‌گشت. اینجا است که می‌توان به مضمون و هدف پاسخ دیرپا حزب توده ایران به پیشنهادات ما پی برد. همانگونه که گفتیم ایشان صریحاً در مذاکرات اعلام داشتند که به نظر ایشان طرح مسائلی مثل کنگره و تعمیق ایده‌ها در تشکیلات امری نادرست و ضدوحدت هستند و بدیهی است که رفقا نیز عمیقاً با همین نظرات مذاکرات را ادامه می‌دادند. حال باید پرسید که پس از انتشار بیرونی بیانیه ۱۶ آذر، رفقای انحلال طلب با چه هدفی اعلامیه ۱۸ آذرشان را منتشر ساخته و در آن از برخی "پذیرفتن"ها صحبت کرده‌اند و چرا رفقا حداقل پیشنهادات ما را در مذاکرات رد کردند؟ طبیعی است که انتقادات و نظرات ریشه دار رفقا نمی‌تواند یکشنبه تغییر اساسی کرده باشد. بدیهی است که رفقا ظرف کمتر از یک شبانه روز دیدگاهها و نظرات خود را عوض نکرده‌اند. ما هیچ تردید نداریم و عمیقاً می‌دانیم که اطلاعیه رفقا با هدف‌های زیر در تشکیلات منتشر شده است:

۱- منحرف ساختن توجه اعضا و هواداران از اختلافات ایدئولوژیک سیاسی مهم موجود، بویژه ممانعت از تمرکز اذهان روی بیانیه ۱۶ آذر.

۲- ایجاد برخی تأثیرات روانشناسانه روی رفقای تشکیلات که تاکنون موضع‌گیری مشخص خود را اعلام نکرده‌اند. به سخن دیگر این اطلاعیه به منظور آن است که حتی الامکان از تصمیم برخی از رفقای تشکیلات در حمایت از مواضع اصولی ممانعت شود. هم اینک تمامی تلاش بینش انحلال طلب آن است که به جای برخورد با مسایل ایدئولوژیک سیاسی مورد اختلاف، حتی الامکان رفقای مخالف قطعنامه مردادماه که در اساس مواضع ایدئولوژیک سیاسی یکسانی را دارند از طریق برخوردهای روانشناسانه از هم جدا سازد. نمونه بسیار بارزی از این تلاش‌ها در جریان مذاکرات هم مشهود بود. رفقا هنگام مذاکره با ما تأکید داشتند که هدف ما نگهداری توده‌های تشکیلاتی نیست، چرا که بالاخره بعضی از آنها دیر یا زود در جریان پیوستن به حزب توده ایران از ما "جدا" می‌شوند. ما تلاش‌مان نگهداری شما چند نفری است که "سرمایه‌های گرانقدر" جنبش هستند. هم حزب اول حزب توده ایران و هم رفقای انحلال طلب در تمامی طول مذاکرات بر این نکات تأکید می‌کردند و این در حالتی بود که درست ۱۸۰ درجه خلاف این حرف‌ها، علیه همین "سرمایه‌های جنبش" به نحوی زنده هم‌زمان با مذاکرات بویژه در تهران تبلیغ می‌شد و به توده‌های تشکیلاتی گفته می‌شد که آنها مهم نیستند، آنها فلان و بیهان اند، مساله، مساله شما است. قابل ذکر است که هم اکنون نیز ایجاد شایعات و اهانت به رفقای مدافع بیانیه ۱۶ آذر که "سرمایه‌های جنبش بودند" به عنوان محور اصلی "مبارزه ایدئولوژیک" رفقا در تشکیلات جریان دارد که به اعتقاد ما دقیقاً ادامه همان روند مسخ و تحریف و شایعه است که در بیانیه بدان اشاره کرده‌ایم. تمامی تلاش بینش انحلال طلب آن است که برخی از اعضای سازمان را که به لحاظ ایدئولوژیک سیاسی مواضع اصولی را دارند به موضع (کلمه ناخوانا) بکشاند. یعنی در عمل آنان را وادار سازند با وجود داشتن مواضع اصولی عملاً تسلیم همان راه‌هایی شوند که بینش انحلال طلب برای پیشبرد مقاصد خود پیش ایشان

می گذارد.

به هر حال اطلاعیه ۱۸ آذرماه که به طور غیر رسمی پخش شده در واقع بخشی از مبارزه روانشناسانه‌ای است که رفقا مدت‌ها است در تشکیلات آن را جایگزین مبارزه ایدئولوژیک ساخته‌اند. لیکن واقعیت‌ها رفقا را ناچار خواهد کرد که به مبارزه در عرصه واقعی آن یعنی در عرصه ایدئولوژیک سیاسی که همه مسائل از آنجا سرچشمه میگیرد همان چیزی که تاکنون از آن فرار کرده‌اند تن در دهند. ما از تمامی رفقایمان می‌خواهیم و تاکید داریم که متانت و شکیبائی را به هیچ روی از دست ندهند، به برخوردهای روانشناسانه و شایعات شرم آور که نتیجه ورشکستگی بینش انحلال طلب است تن ندهند، با رفقای انحلال طلب با احترام و متانت تمام برخورد کنند و بکوشند اذهان را به مسایل ایدئولوژیک سیاسی و بویژه مسایل مذکور در بیانیه بکشانند. فراموش نکنیم که هدف شریف به ابزار ناشریف بی نیاز است. در پایان ما از رفقای صادرکننده اطلاعیه ۱۸ آذر می‌خواهیم به جای مانورهای دیپلماتیک نظر خود را روی پیشنهادات حداقل ما که در جلسات مذاکرات طرح شده بود و در زیر آمده است به طور صریح، روشن و کتباً اعلام دارند:

۱- اعلام گردد که تصمیم‌گیری روی خط مشی وحدت در پلنوم مردادماه سلب حقوق تشکیلات و اراده آگاه آن بوده است و ما این اقدام را به مثابه زیرپا گذاشتن ابتدائی ترین اصول، موازین و حقوق تشکیلات و اعضای سازمان که حل اصولی اختلافات ایدئولوژیک سیاسی را به بن بست کشانده است، مورد انتقاد قرار می‌دهیم. از این پس ما اعلام موضع روی مسایل مربوط به خط مشی وحدت که محصول موضع‌گیری روی برنامه، اساسنامه و مقام و موقعیت حزب توده ایران است را جملگی جزو اختیارات کنگره سازمان می‌دانیم و نه هیچ ارگان دیگری.

۲- کنگره به مثابه اراده آگاه تشکیلات زمانی به طور واقعی می‌تواند تشکیل گردد که نظرات مربوط به برنامه، مقام و موقعیت سازمان و حزب توده ایران و امر خط مشی وحدت در سطح اعضاء تعمیق شود و اعضای سازمان بتوانند آگاهانه مدافعان نظرات خویش را بیابند و برای شرکت در کنگره انتخاب کنند، چنین کنگره‌ای با توجه به کژآموزی‌ها و تحریف نظرات در سازمان به یک دوره تدارک ایدئولوژیک نیاز دارد و به دلیل اهمیت بسیار زیاد تصمیمات متخذه در آن باید وسیعترین کنگره ممکن باشد.

ک. س.  
۶۰/۹/۲۱

تکثیر از نهاد هواداری از:  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بریتانیا